

پاپاوالده

به‌مناسبت برگزاری مراسم بزرگداشت آیت‌الله رحیم ارباب شاگرد میرزا جهانگیرخان قشقایی و آموزگار و استاد جلال‌الدین همای

شهره اخلاق کریمه و عظیمه

دکتر حسن بلخاری قهی رئیس‌انجمن‌اشارومخافرهنگی

شاگرد بلندمرتبه مرحوم میرزا جهانگیرخان قشقایی و استاد کریم‌اقدردکتر جلال‌الدین همایی یعنی مرحوم آیت‌المظلی رحیم ارباب، متولد ۱۳۵۸ شمسی و متوفای ۱۹ آذرماه ۱۳۵۵ هجری شمسی بود وجه تسمیاش ارباب بود بدین دلیل که خاندانش در چرمپین (از توابع شهرستان لنجان استان اصفهان) دارای مکتان و ملکیت و شرافت بودند، گرچه خود، نام اول خویش یعنی رحیم را بیشتر دوست می‌داشت؛ روزی به دیدار حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی می‌رود ساده و بی تکلف در بیرونی منزل ایشان می‌نشیند و می‌خواهد به حضرت آقا برسانند رحیم از اصفهان آمده شما را زیارت کند، آقای بروجردی می‌گوید هرچه سریع‌تر ایشان را راهنمایی کنید و سپس فرمودند: نگویید رحیم آمده، بگویید ارباب آمده، و خطاب به مرحوم ارباب گفتند: شما ارباب هستید (کتاب ارباب معرفت، ص ۱۶۰)

حیات سراسر اخلاق و ورع و پاسداری و حکمت و معرفت و انیز نشان می‌دهد امام رحیم حقیقی و ارباب مجاز بوده است. جلال‌الدین همایی در ابتدای التفهم کتاب را با بیان عاریبی چون تسبیح معظم، استاد مکرم، علامه‌العلماء وحید عصر، قریع دهر، مصباح انوار الفقاهه و الدرایه، نیراس لولع‌المعلمه و الهدایه، عالم عامل، جامع‌العلوم و الاداب، قبله اولی‌الایمان و مقتدایا، به استاد خوش رخسار رحیم ارباب تقدیم نموده است: «هدیت هذا الکتاب الی حضرته شیخی المعظم و استادی المکرم، علامه‌ العلماء وحید عصره و قریع دهر، مصباح انوار الفقاهه و الدرایه، نیراس لواعم الکتابه و الهدایه، العالم العامل الامعی اللوذعی، جامع العلوم و الاداب، قبلسه اولی الایاب، مولانا و مقتدانا الحاج آقا رحیم اربساب ادام الله ایام افاضاته العالیه و انا احقر تالیهذه جلال‌الدین همایی» (شهریور ۱۳۳۸ شمسی)
همو در تقدیم نام کتاب مصباح‌الهدایه و مفتاح الکفایه عزیزالدین کاشانی چنین نگاشته: «هدیت هذا الکتاب الی حضره الاستادی المعظم، علامه‌ العلماء العالمان المبرترین حاوی فضیلتین، آیت‌الله العظمی و عطیه الکبری و قدوة المشایخ الاطاب الحاج آقا رحیم‌ادام الله ایام افاضاته العالیه و انا لتلمیذه و غلامه الحقیق، جلال‌الدین همایی» (فروردین ۱۳۳۷ شمسی)

حضرت آیت‌الله العظمی رحیم ارباب سر از آنکه شاگردی

مرحوم جهانگیرخان قشقایی را ندوده و شاگردی چون همای را

پروانده، البته که می‌بایست در بارگاه حکمت و معرفت یکصد سال

گذشت فرهنگ و حکمت ایرانی، نادره دوران و به تعبیر همایی وحید

عصر خود باشد.

مرحوم حاج آقا رحیم ارباب که در جان خود انبئی عظیم از معرفت و قرآنیة و لطایف و کسبیه‌ی نباشته و نیز به تعبیری «ای غور لفسلفه ملاصدرا رسیده بود» و شاید به تأسی از استاد خود میرزا جهانگیرخان، عمامه بر سر نگذاشت (لاا در مواقع نماز) پیش از آن که به بیکرانی معرفت و حکمت شبهره باشد به اخلاق فاضله کریمه و عظیمه مشهور بود. در اثری که آقای دکتر محمدحسین ریاحی با عنوان ارباب معرفت نگاشته‌اند، لطایف بسیاری از این اخلاق کریمه، مذکور و ضبط است. لیک تمامی کسبای که در حضرت ایشان را می‌شناسند می‌دانند او جامع کامل فقاقت، اخلاق، حکمت، و عرفان بود. سبیری و سلوک حیاشیت به کمال نشسته و در درک این حقیقت زربین و کیمیای برین رسیده بود که تعالی و کمال جان، در گرو اتحاد حقایق چهارگانه فوق است. او به یقین می‌دانست تا اخلاق به حکمت تعالی نپیاد و تا حکمت به اخلاق خالص نگردد و تا شریعت به فقاقت، استوار نگردد، یقینا حقیقت، مشهود و منظور جان سالک نگردد.

در باب فلسفه‌دان‌اشی همین نکته نغز دکت هرهای کافی است که: «ارباب، آخرین یادگار مکتب قدیم اصفهان است که به فلسفه ملاصدرا: رسیدیده و غوامض و دقایق آن را به درستی و چالی از حشو و زاید و فیهیمه و هضم کرد و به اصول و مبانی آن کاملاً معتقد است اما اهل تقاها و فضل فروشی نیست» (ارباب معرفت، ص ۱۱۷)

بر خلاف برخی هم نشیانش که لفسلفه و حکمت را طرد و تکفیر می‌کردند وی این معارف را عامل اظهار کفر باطنی تشخیص می‌دادند.
در این باب این روایت شنیدنی است: «من طلبه بودم تازه می‌خاستم منظومه سبزواری را در حکمت شروع به خواندن کنم. نزد مرحوم آخوند کاشی رفتم و گفتم: می‌خواهم منظومه بخوانم. آخوند پرسید: مقدمه منطبق چه خوانده‌ای؟ گفتم حاشیه، ششوه، شرح مطالع (حالا طلبه‌ها نمی‌دانند اصلاً شرح مطالع چی هست) اما حاجی سبزواری تا از شرح مطالع امتحان نمی‌گرفت کسی را در مجلس درس حکمتش راه نمی‌داد ولو مراحل ابتدایی اش باشد) گفتند می‌م من برای خودم یک شرح منظومه شروع می‌کنم. گفتم: می‌گویند لفسلفه و حکمت خواندن، آدم را کافر می‌کند اگر اینچور است نخوانم. آخوند جواب داد: حکمت و فلسفه خواندن کسی را کافر نمی‌کند کفر باطنی اشخاص را رو می‌اندازد (الله اکبر از این حرف حکیم) اینجا که باطناً کافر هستند وقتی می‌آیند فلسفه و حکمت می‌خوانند کفر باطنیشان را رو می‌افتد، چهره‌اشان را می‌نمید، ندانند، شباهتی که در ذهنشان بود، انحراف‌هایی که در فکر و روح و اعماق قلبشان بود، به‌حالا که از اصطلاحات فلسفی آنها می‌شنیدند، این را می‌افتندهم استقامت‌های روحی و فکری و وی یافتند (وَأَمَّا مَنْ لَمْ يَرْزُقْ مَا هُوَ شَافِعٌ وَرَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يُزِيدُ ظَالِمِينَ؟) همان کفرانی است که شرف و رحمت آست برای مؤمنین، همان قرآن برای ظالمین همان کفر می‌شود می‌آورد، کفرشان را رو می‌اندازد، خسران را رو می‌اندازد» (همان، ص ۱۵۴)

داستانی در کتاب ارباب معرفت بیان شده که نشان می‌دهد مرحوم ارباب چگونه به یطن و باطن هدایت، بویژه هدایت جوانانی که جانی کاف دارند اما مدعی آنکه آگاه بود و چه فروتنانه و مهربانانه، کلام و استلال آنان را در فارسی خواندن نماز شنید و حتی در مواردی با آنان همینا گشت اما سپس قذق و آگاه و خردپند و روشن ساختن چهر نماز باید به عربی خوانده شود و نمی‌توان آن را به زبانی غیر عربی خواند. همان هدایت متعالی و گرفتاری که امامان معصوم علیه‌السلام مروج و بانی آن بودند. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی یاد و نام حضرت آیت‌الله‌العظمی رحیم ارباب را گرامی می‌دارد و از خادوندند متعال برای روح آن مرحوم، مغفرت و رضوان متعالی الهی خواستار است.

در نشست کمیته ثبت ملی میراث فرهنگی ناملموس که از حضور محمد حسن طالیبان معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برگزار شد، ۵۹ اثر فهرست میراث ناملموس به ثبت ملی رسید.
به گزارش میراث آریا، در این نشست که فرهاد نظری مدیرکل دفتر ثبت آثار و نیز معاونان و کارشناسان میراث فرهنگی استان های کردستان، اصفهان، کرمانشاه، یزد، مرکزی و سیمازن نیز حضور داشتند، ۵۹ اثر ناملموس در فهرست میراث فرهنگی ناملموس در ۴ گروه زده‌ماه و یک سنت های شفاهی، عادت ها و رسم های اجتماعی، داش های مربوط به طبیعت و مهارت و هنرهای سنتی به ثبت رسید.

همم چنین دو پرونده منطقه ای (چند استانی) تحت عنوانن «شیوه اجرای طاق‌های خشتی بدون قالب (بادمه) در خراسان بزرگ» و «مهارت بافتن قالی اهل‌بنت‌ها» به ثبت ملی رسید.

در این نشست همچنین با توجه به اینکه «هنر تانگ نان یا تخت» به‌عنوان پروژسده چند ملیتی و به‌عنوان میراث ایران در فهرست جهانی یونسکو ثبت شده است، استان سیمازن ۱۶ پرونده مربوط به نان های محلی را ارائه کرد.

در نشست کمیته ثبت ملی میراث فرهنگی، شیوهٔ ساخت کوشک‌نان، بازی

مراسم اختتامیه پانزدهمین جشنواره نقد کتاب با معرفی برگزیدگان در سالن فرودسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.

به گزارش مهر، نیکم‌نام حسینی‌پور مدیرعامل موسسه خانه کتاب به عنوان اولین سخنران این مراسم گفت: هر کتابی که چاپ می‌شود، خوانندگان و منتقدانی دارد و گاهی یک کتاب چندان مورد اقبال صاحب نظران قرار می‌گیرد که دیدگاه‌های خود را نسبت به آن در قالب نقد شفاهی و یا مکتوب عرضه می‌کنند. امیدواریم جامعه ما به جایی برسد که به جای چاپ هر کتاب یک نقد هم منتشرش شود. البته این روزها بعضی مواقع مسائلی را در جامعه می‌بینم که افرادی بدون اینکه کتابی را بخوانند، نقدش می‌کنند. در حالی که در حوزه نقد کتاب باید به اهداف، روش و استفاده از مرجع لازم و کافی و سازمان کتاب توجه شود.

حسینی‌پور پور گفت: اکنون جشنواره نقد کتاب به ایستگاه پانزدهم خودرسیده است. ما در مجموعه خانه کتاب متختریم که با یاری خداوند تاکنون از حدود ۲۵۰ نفر از متقدان برجسته ایران زمین تقدیر کرده‌ایم و مقالات ارزشمند و منتقدانه آنها را از لایبالی کثرت اوراق جراید و انبوه نشریات بیرون کشیده و به جامعه علمی و ادبی معرفی کرده‌ایم. این مهم با تلاش مستدام دهها داور اندیشمند از استادان حوزه و دانشگاه و دبیران محترم علمی و همکاران خانه کتاب در طی سالیان گذشته سرانجام یافته که از تمامی این بزرگواران تشکر می‌کنم و ایدوارم شرایطی فراهم شود که جشنواره شش‌ازدهم را در پاریات برگزار کنیم و جامعه علمی قدر ناقتان را بیشتر بدانی.

دیگر سخنران این مراسم حجت الاسلام والمسلمین اسلامی دبیر جشنواره بود که گفت: این بزرگواران مشکل ایران نیست و در همه جای جهان همینطور است؛ ناخوشایند است. اصولاً نقد غرور ما را جریحه دار می‌کند. ما را رنج می‌دهد و اذیت می‌کند. اگر کارمان را مشروط کنیم به واکنشی که صاحب اثر نشان می‌دهد کارمان زاد خواهد بود.

وی افزود: نقد کردن بخشی از فرآیند دانش‌وری است. اگر کسی می‌خواهد علم ورزی کند باید وارد میدان جنگ شود و حساب جنگیدن را هم بکند. منتقد باید پوست کلفت باشد. در راه نقد ممکن است از نزدیکترین دوستان ضربه بخوریم یا این حال نقد شجرینی خاصی دارد. بارها پیش آمده که نقدی را نوشتم و بعدا حسرت خوردم.

دبیر جشنواره نقد کتاب از برگزیدگان این جشنواره به دلیل تأخیر در برگزاری مراسم اختتامیه عذرخواهی کرد و گفت: قرار بود این مراسم یک ماه زودتر برگزار شود که به دلیل مشکلات مالی این امر پیش‌رشد اما با همکاری آقای حسین پوردر خانه کتاب و مسئولان خانه اندیشمندان علوم انسانی توانستیم این برنامه را امروز برگزار کنیم.

محسن جوادی معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این مراسم گفت: نقد و نوشتن از مهم‌ترین وجوه عقلانیت انسان است، اگر به تعریف عقلانیت در متون فلسفی توجه کنیم، عقلانیت آدمی دو وجه دارد؛ جستن و بیان حقیقت و همچنین طراحی و ایده‌پردازی



اخبار داخلی



تقدیر از برگزیدگان پانزدهمین جشنواره نقد کتاب



برای تغییر آنچه هست دو وجه عقلانیت هستند. وی افزود: نوشتن بر این دو محور می‌تواند ظهور پیدا کند و نقد مسیر نویسنده و اندیشه‌ها یا ایده‌هاست. مدل دیگر نقد شامل نقد کنش نویسنده است. به عبارت دیگر این کنش می‌تواند ارزیابی اخلاقی شود. انواع نقد نباید خلط شود و به نظر می‌رسد خلط این دو نوع نقد آسیب‌هایی را وارد کرده است. اگر نقد راه خود را پیش نگیرد و جعل و سرفت نویسنده دلیل نادرستی نوشته‌هایش قرار گیرد این جریان اشتباه و نوعی مغالطه است. بنابراین با روشن‌شدن ضوابط نقد، نقد روشن‌ترند.

جوادی همچنین گفت: ناقد مکمل حقیقت‌جویی نویسنده است به‌نظر می‌رسد انکشاف‌های ناشی از غرور ذاتی انسان در مقابل نقد به دلیل بی‌توجهی به تمرین برای پذیرش نقد است.

در پایان این مراسم، برگزیدگان و شایستگان تقدیر پانزدهمین دوره جشنواره «نقد کتاب» به شرح زیر معرفی شدند:

۱: کتاب «بررسی و نقد کتاب روش شناسی تحقیقات کیفی»، مصطفی همدانی، پژوهشنامه انتقادی متون، ش ۴۵، خرداد و تیر ۱۳۹۶.

۲:کلیات – فهرست نویسی و نسخ خطی اثر برگزیده «بررسی و نقد کتاب روش شناسی تحقیقات کیفی»، مصطفی همدانی، پژوهشنامه انتقادی متون، ش ۴۵، خرداد و تیر ۱۳۹۶.

فهرست سندهای خطی مجلس، ج ۴۵، جواد بشری، آینه پژوهش، ش۱۶۸و۱۶۹، آذر و اسفند ۱۳۹۶.

۳:فلسفه، کلام و عرفان – فلسفه «معرفی و بررسی نقادانه کتاب فلسفه ریاضیات براون»، حسین بیات، فرهنگ و اندیشه ریاضی، ش ۶۰، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

۴: فلسفه، کلام و عرفان – فلسفه «بررسی و نقد کتاب تاریخ فلسفه راتلج»، سیدمصطفی شاهی‌رینی، پژوهشنامه انتقادی متون، ش۵، آذر و دی ۱۳۹۶.

وزیر ارشاد اعلام کرد:

افتتاح طرح پروانه در فضای مجازی هم‌زمان با دهه فجر



سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: نخستین برنامه این وزارتخانه در این دوره از فعالیت خود تقویت ظرفیت های مردمی و دسترس‌های آسان تر آنها با هدف حداکثری شدن دسترسی های فرهنگی و شبکه توزیع بوده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدار با اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفت: با هدفگیری و تسهیل صدای فرهنگ کشور بیشتر شنیده خواهد شد. به گزارش ایرنا از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این دیدار به محل این وزارتخانه برگزار شد، برپایه از معاونان و مدیران این وزارتخانه گزارشی از مجموعه فعالیت های خود در حوزه برگزاری جشنواره های فجر ارائه دادند.

سید عباس صالحی در ابتدای این نشست، ضمن تسلیت ایام فاطمیه(س) گفت: مسیر قابل توجهی را در حوزه فرهنگ و هنر کشور



«بررسی و نقد کتاب اقتصاد از نگاهی دیگر»، وحید مقدم و هادی امیری، پژوهشنامه انتقادی متون، ۹، اسفند ۱۳۹۶.

۱۳: هنر اثر شایسته تقدیر

«نقد و بررسی کتاب بنیان‌های نظری و عملی موسیقی فیلم با رویکرد سیمینای کشور‌های اسلامی»، حمید عسکری رابری، پژوهشنامه انتقادی متون، ش ۴، مهر و آبان ۱۳۹۶.

۱۴: ادبیات- نقد ادبی اثر شایسته تقدیر

«نقد درسهام‌های سبک‌شناسی و پیشنهاد دو درس سبک‌پژوهی و سبک‌ورزی در رشته ادبیات فارسی»، محمود توفی رومعینچی، ادبیات پارسی معاصر، ش ۱، بهار ۱۳۹۶.

۱۵: ادبیات- متون کهن اثر برگزیده

۱۵: علوم تربیتی و روانشناسی «ایسن طبل بلندبایگ در باطن هیچ: معرفی و نقد لطائف‌التفسیر درواجی»، حمیدرضا سلمانی، فصلنامه نقدکتاب ادبیات، ش۱۱، پاپیر۱۳۹۶.

۱۶: ادبیات داستانی رویکردهسا-روش‌ها و اصول»، عباس معدن‌داری، پژوهشنامه انتقادی متون، ش ۶، آذر ۱۳۹۶.

۶: دین – کلیات اسلام اثر شایسته تقدیر

«بررسی و نقد کتاب از علم سکولار تا علم دینی»، خسرو باقری‌نوع‌پرست، پژوهشنامه انتقادی متون، ش ۲، خرداد و تیر ۱۳۹۶.

۷: دین – قرآن و حدیث اثر شایسته تقدیر

«توحید-مفضل بن عمر جعفی در ترازوی نقد»، هادی نصیری و محمدعلی صالحی، کتاب یک، ش ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶ .

۸: دین – فقه و حقوق اثر شایسته تقدیر

۹: دین – اخلاق اثر شایسته تقدیر «چرا مترجم و ناشر خوب بودن دشوار است؟»، امیرحمید خدابریست، فصلنامه نقدکتاب اخلاق، علوم تربیتی و روانشناسی، ش۶، تابستان و پاپیز ۱۳۹۵.

۱۰: علوم اجتماعی اثر برگزیده «ایا علوم طبیعی در تمدن اسلامی برگرفته از اسلام بود؟ نقد و بررسی کتاب شکل‌گیری علم اسلامی»، امیرمحمد گمینی و فاطمه کلبادی، فصلنامه نقد کتاب کلام، فلسفه و عرفان، ش۱۵ و ۱۶، پاپیز و زمستان ۱۳۹۶.

۱۹: کودک و نوجوان اثر برگزیده «کتاب روایت چند صد سال، بررسی شیوه‌های گفتگو‌ندی و چندصدایی در زمان لالایی برای دختر مرده»، امین ایزدینما، مطالعات ادبیات کودک، ش۵، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

بخش ویژه: (الف)تشریح شایسته تقدیر:

در این‌بخش فصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی (با احترام و یاد بود مدیرمسئول و سردبیر پیشین زنده یاد احمد احمدی و تقدیر از مدیرمسئول فعلی محمد دینیجی و سربرید زهرا ابوالحسنی) به عنوان نشریه شایسته تقدیر انتخاب شد .

ب) فعالان عرصه نقد کتاب : در این بخش از علی رجبزاده به سبب برگزاری جلسات منظم جامعه‌های پردیس کتاب در پردیس کتابفروشی امام مشهد تقدیر شد.

امیدواری برای بازگشت الواح هخامنشی به ایران تا دو ماه دیگر



«دانشگاه شیکاگو در حال تکمیل بسته‌بندی حدود ۳۰ هزار لوح هخامنشی است. امیدواریم تا یکی دو ماه آینده این تعداد لوح ارزشمند تاریخی به ایران استرداد شود» این‌ها از سخنان مدیر اداره کل حقوقی سازمان میراث فرهنگی درباره این لوح‌ها است. به گزارش ایسنا، آخرین خبرها درباره‌ی این الواح، حکایت از آن داشتند که «واکف – دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا – آخرین سدی است که سازمان میراث فرهنگی باید از آن بگذرد تا بتواند این الواح تاریخی را که ۸۳ سال پیش براساس معصوه قوت دولت، برای مطالعه به آمریکا رفت و به جز چند دوره که تعداد کمی از این الواح را به کشور برگرداند، به طور کامل به ایران برگرداند.»

اواسط مهر امسال، محمدحسن طالیبان – معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری – به ایسنا گفته بود: «با وجود آنکه کارهای اولیه استرداد الواح هخامنشی به ایران انجام شده است اما برای تحقق این مهم در انتظار جواب اوکف (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا) هستیم تا مجوزهای لازم برای بازگشت الواح هخامنشی را صادر کند.»

شمارهٔ جدید ماهنامه سرمشق منتشر شد

نشریهٔ سرمشق فرهنگی و موضوعات – به عنوان نشریهٔ اجتماعی صاحب امتیازی، مدیر مسئولی و سردبیری بتول ایزدپناه راوری در قالب ماهنامه منتشر می‌شود. سرمشق شامل بخش‌های: ادبیات، سینما، موسیقی، تئاتر، هنرهای تجسمی، تاریخ،فرهنگ،جامعه، جنگ و در آخر میل راحتی است. قسمت ادبیات شمارهٔ بیست‌ونهم سرمشق به معرفی و بررسی آثار جواد مجابی اختصاص یافته است به همین منظور گفت‌وویی با وی انجام گرفته است. جواد مجابی شاعر، نقاش و پژوهشگر، روزنامه‌نگار، طنزپرداز، نمایش‌نامه‌نویس و داستان‌نویس است. به مدت ۱۰ سال مسئول بخش فرهنگ روزنامه اطلاعات بوده است. وی تاکنون ۸۰ عنوان کتاب نوشته است که ۷۰ عنوان آن منتشر شده است. به گفتهٔ مجابی روزنامه‌نگاری به خودی خود یک حرفه تمام وقت است. کسی که می‌خواهد یک روزنامه‌نگار تمام عیار شود، باید تمام وقت خود را روی این کار بگذارد و این حرفه را بیاموزد. جامعه و تاریخ و فرهنگ آن جامعه را بیاموزد. بخش سینمای این شماره به فیلم مستند «همایون» ساختهٔ پیروز کلاتری می‌پردازد و گوشیده شده جنبه‌های گوناگون آن مورد بررسی قرار گیرد.

مستند پرتره «همایون» که دربارهٔ منش و روش زندگانی و زندگی زنده یاد همایون صنعتی‌زاد است، آخرین ساختهٔ پیروز کلاتری در سال ۹۷، قبل‌ساز در این مستند کوشیده است تا نه کوشش‌ها و کارهای صنعتی‌زاده در زمینهٔ نشر، ترجمه، تألیف، تأسیس‌ها و کارآفرینی‌هایش که نوع نگاه و منش همایون و شیوه‌ای که در ریاضش و پیش‌برد زندگی‌اش داشته است را به عنوان «همایون بودن» در فیلمش مطرح نماید. گفت‌وگو با جلال امیر پورسعدی، آهنگساز و نوازندهٔ یکی از مطالب بخش موسیقی است. شمارهٔ بیست و نهم (دی و بهمن)۹۷ ماهنامهٔ فرهنگی و اجتماعی سرمشق در ۱۳۶ صفحه و با قیمت پانزده هزار تومان منتشر شده است.



چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۷ - ۱۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ - ۲۳ ژانویه ۲۰۱۹ - سال نود و سوم - شماره ۲۷۲۰۵

بزرگداشت مرحوم آیت الله العظمی حاج رحیم ارباب در انجمن مفاخر

بزرگداشت مرحوم آیت الله العظمی حاج رحیم ارباب در انجمن مفاخر روز چهارشنبه سوم بهمن ماه از ساعت ۱۷ و سسی دقیقه تا ۱۹ و سسی دقیقه برگزار می‌شود. بنا بر این گزارش در این مراسم کتاب ارباب معرفت، تألیف دکتر محمد حسین ریاحی رونمایی می‌شود. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در خیابان ولی عصر بل امیربهار واقع خیابان پشسیری پسرلک ۷۱ واقع است.

گنجینه آیت‌الله‌عظمی

تغییرشیوه پرداخت حق‌التدریس استادان در دانشگاه‌های وزگ معاون آموزشی وزیر علوم از اصلاح پرداخت حق‌التدریس در دانشگاه‌ها خبر داد و گفت: براساس این طرح هم حضور اعضای هیات علمی در دانشگاه‌ها بیشتر شده و هم پرداخت دانشگاه‌ها منصفانه تر می‌شود. مجتبی شریعی نایس در گفتگو با مهر، درباره طرح به‌روزی و نو ارزش آفرینی اعضای هیات علمی در دانشگاه‌های بزرگ گفت: هدف از این طرح حذف استاذان حق‌التدریس نیست بلکه اصلاح نظام پرداخت در قالب حق‌التدریس است.

وی ادامه داد: براساس این طرح، به جای پرداخت حق‌مازاد به استناد، برای تدریس مزاددی که داشته، پرداخت‌ها به گونه ای خواهد شد که حقوق فرد را متناسب با سهمی که از فعالیتش افزایش می‌دهند.

معاون آموزشی وزیرعلوم ادامه داد: چون ظرفیت هیات علمی دانشگاه‌های سطح یک کم بسیار بالاست مگر در موارد استثناء، بنابراین اصلاح وضعیت به این معنا نیست که استاذان حق‌التدریس حذف شوند، بلکه هدف این است که پرداخت حق‌التدریس بازتعریف شود.

دانشگاه‌های علوم پزشکی پذیرش بدون کنکور ندارند

رئیس مرکز سنجش آموزش پزشکی گفت: در مرحله پذیرش دانشجو بر اساس سوابق تحصیلی، هیچ یک از رشته های علوم پزشکی در هیچ دانشگاهی پذیرش دانشجو ندارند.

دکتر آبتین حیدزاده در گفتگو با مهر افزود: پذیرش دانشجو بر اساس سوابق تحصیلی تحت تاثیر امتحان‌نامه دا تعریف شده از میزان تقاضای و ظرفیت پذیرش است و با توجه به تقاضای بسیار بالا در رشته علوم پزشکی در دانشگاه های علوم پزشکی بر اساس سوابق تحصیلی دانشجویی پذیرفته نمی‌شود.

وی افزود: دانشگاه های علوم پزشکی در مرحله پذیرش بر اساس سوابق تحصیلی که قرار است برای مهرماه ۹۸دانشجوی پذیرفته شود، حضور ندارند چرا که تعداد متقاضیان رشته های علوم پزشکی در مقاطع کارادی و کارشناسی نیز بسیار بیشتر از ظرفیت پذیرش است.

رئیس مرکز سنجش آموزش پزشکی یادآور شد: برای پذیرش بدون آزمون باید تعداد داوطلب تناسبی با ظرفیت داشته باشد، البته ما در حوزه آموزش پزشکی در حال بررسی مدل هایی برای پذیرش بدون کنکور هستیم اما در حال حاضر هیچ کدام به طور کامل تکمیل نشده اند. وی خاطرنشان کرد: مدل هایی را برای پذیرش بدون آزمون در رشته های علوم پزشکی می توان بر اساس امتیازات غیر آزمون طراحی کرد که در این زمینه می توان از سوابق تحصیلی، سوابق شغلی و بومی گرایی بهره گرفت اما در حال حاضر هیچ کدام از این روش ها به نهایی نشده اند بنابراین در گروه علوم پزشکی پذیرش بدون آزمون دانشجو نداریم.

نامه‌نگاری شورای عالی انقلاب فرهنگی با ۱۰دستگاه‌برای همکاری مدیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با بیان اینکه برخی از مصوبات این شورا فاقد قابلیت اجرایی هستند گفت: درصدد هستیم تا مسیر فعالیت‌دیرخانه ۲۰دستگاه نامه‌نگاری کردیم تا آنها مسائل خود را مطرح کنند.

به گزارش ایسنا، دکتر سعید زاهدی‌عاملی در جلسه کمیسیون علمی و فناوری دیرخانه‌شورای عالی انقلاب فرهنگی با بیان اینکه در این کمیسیون ظرفیت‌های چند رشته‌ای حضور دارند و می‌توان از این ظرفیت برای حوزه‌های تصمیم‌سازی استفاده کرد، خاطر نشان کرد:دردفع چالش‌های موجود در جامعه باید از موارد جدی برای سیاست‌گذاری در عرصه علم و فناوری ما باشد و در این زمینه نیز فائده‌لاضرر در اسلام به خوبی می‌تواند به دانش ما جهت دهد.

عاملی گفت: در مقوله فرهنگ نیز با مسائل جدی مواجهیم و در این زمینه توجه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به مسائلی در جهت تأمین عدالت اجتماعی و کاهش هزینه‌های اشتباه نباید بتواند مؤثر باشد.

وی یادآور شد: درصدد هستیم تا مسیر فعالیت دیرخانه را با بررسی پیشنهاد سایر دستگاه‌ها اصلاح کنیم و به همین منظور با حدود ۴۰دستگاه نامه‌نگاری کردیم تا آنها مسائل خود را مطرح کنند و دیرخانه به بلایش و بررسی تخصصی این موارد اقدام کند.

۱۵۲پرونده‌مجاز تولید،اسباب‌بازی گرفتند

۵۶پرونده ثبت‌طرح و صدور مجوز در دیرخانه شورای نظارت بر اسباب‌بازی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت ۵۲ پرونده از نظر طرح طبق بدون مانع تشخیص داده شد و مجبور تولید دریافت کردند.

به گزارش ایرنا از اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل کانون پرورش فکری، در پنجمین نشست کمیسیون ثبت طرح و صدور مجوز در دیرخانه شورای نظارت بر اسباب‌بازی ۲ پرونده رای نیاورد و همچنین مقرر شد ۳ پرونده، اسامی سرگرمی انتخابی خود را به دلیل نامناسب بودن تغییر دهند.



شرکت خدمات بازرگانی آریا دگر هم‌زمان با شرکت نیروگاه سیکل ترکیبی کارآرون (سماهی خاخی) - در نظر دارد فراخوان عمومی به منظور شناسایی و ارزیابی امکانات واجد شرایط برای تعیین این شرکت کوتاه مدت براساس نامهات انتخاب پیمانکار قرارداد بهره‌برداری تعمیر و نگهداری و تعمیرات اساسی سیکل ترکیبی کارآرون برای یک دوره ۶ ساله در نظر نماید، لذا بدینوسیله از شرکتداری صاحب کت دارای تجربه و تخصص کافی در این زمینه می‌باشد دعوت می‌شود از تاریخ ۱۳۹۷/۱/۱۱ لغایت ۱۳۹۷/۱/۲۲ در دست دفتر سفارت نامه مشتمل بر اعلام آدرس اپیل و یک شماره همراه جهت اطلاع پراس و هماهنگی های فنی واریزی به شماره ۰۲۵۴۲۲۱۰۱-۰۲۵۴۲۲۱۰۱ (۲۶۸-۸۶) بانک پاسارگاد شماره ۱۵۲ به مبلغ پنج میلیارد ریال در ساعات اداری به آدرس تهران، میدان آزادی، آژانس خیابان کاظم‌صفر، کوچه ۱۲، طبقه اول کد پستی: ۱۳۹۳۶۶۱۱۱۱ مراجعه و اسناد فراوان را دریافت و با توجه کامل به صورتحزات ۱۱-۱۱-۱۳۹۷ در اسناد تکمیل و مهر و امضاء شوده و به ضمیمه سندار درخواستی اسنادفراخوان تکمیل و تاییدات وقراری تاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۲ به نشانی فوق تسلیم نمایند جهت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴-۰۲۱-۸۸۸۰۷۴۲۱۰۰-۰۲۱-۰۲۱-۰۲۱-۰۲۱ شرکت تماس حاصل نمایند.

مزایده فروش اقلام مازاد
۲-۹۷/۱-۱
شرکت سیمان خاش در نظر دارد نسبت به فروش اقلام ضایعاتی خود به شرح ردیف‌های زیر از طریق مزایده عمومی اقدام نماید. بدینوسیله از متقاضیان دعوت می‌گردد حداکثر تا ۵ روز پس‌س از تاریخ درج این آگهی جهت دریافت اسنادات به سایت www.khash.com قسمت مناقضات مراجعه نمایند:
اقلام ضایعاتی
۱-آهن آلات ضایعاتی (ضدسایش کرمدار) حدود ۱۰تن
۲-آهن آلات ضایعاتی (ضدسایش منگنر دار) حدود ۱۰تن
۳-گرس ضایعاتی حدود ۶تن
۴-اقلام بلاستیکی ضایعاتی حدود ۹تن
۵-اقلام مسی و سربى ضایعاتی حدود ۷تن
۶-الکترو موتور تابلو DCکوره کار کرده
میزان سپرده شرکت در مزایده معادل ۵٪ قیمت‌های پیشنهادی می‌باشد.
آدرس:
تهران: خیابان سه‌به‌روردی شمالی – کوچه شهید حمید قدس (اندیشه) ۴۲
تلفن: ۴۹۱۷۷۷۷۷-۶۱
زاهدان: بلوار دانشگاه – میدان دکتر حسابی – بلوار جمهوری
تلفن: ۰۵۴-۳۳۲۹۴۵۱۸-۲۱
شرکت سیمان خاش

سازوکار مالی مستقل سوئیس با ایران آماده‌است

یک ماه پیش از آنکه وزیر تجارت سوئیس اعلام کرد این کشور به دنبال ایجاد یک کانال مالی مستقل برای ادامه تجارت با ایران است، اکنون رئیس اتاق مشترک بازرگانی سوئیس – سوئیس از آماده شدن این سازوکار خبر داد.

به گزارش ایرنا از اتاق بازرگانی ایران، شریف نظام مالی اعلام کرد: اکنون پولی متعلق به ایران در اروپا وجود ندارد؛ بیشتر پول‌های ایران در کشورهای واردکننده نقد یعنی هند، چین و کره جنوبی است. وی با اشاره به اینکه در صورت ورود پول نفت ایران از آسیا به اروپا، کانال مالی سوئیس بلافاصله آغاز به کار خواهد شد؛ افزود: در دوره گفت‌وگو، جریمه‌ها زمانی که سوئیس قصد داشت کانال مالی مشابهی راهاندازی کند، به بانک‌هایی که مجوز انتقال پول ایران را دریافت کرده بودند، ۲۴ ساعت فرصت داده شد تا پول‌های ایران را از زاین به سوئیس منتقل کنند. رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و سوئیس یادآور شد: در دوره گذشته وزارت خزانهداری آمریکا مجوز لازم را صادر کرده بسود و اکنون هم انتقال پول نیازمند مجوز آمریکاست؛ موضوعی که در ماه‌های گذشته محور مذاکرات دولت سوئیس با دولت آمریکا بوده است.

وی در پاسخ به این پرسش آمریکا که آیا زمانی برای عملیات شدن سازوکار مالی برای نظر گرفته شده، گفت: هنوز زمان مشخصی

لزوم برخورد حقوقی با سخنان وحدت شکنانه در تریبون‌های مختلف

قاعدهمند کردن گفتارهای ابراز شده از تریبون‌های مختلف و برخورد حقوقی با سخنان وحدت شکنانه ضروری است

ایمن مطلب را دکتر عبدالرحمان فضلوی وزیر کشور و رئیس ستاد اطلاع رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور در سیزدهمین نشست این ستاد اعلام کرد و با اشاره به سوگیری مثبتی که در نتیجه هدایت های رهبری و تلاش های ستاد، در روندهای اطلاع رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور واقع شده است، بر تداوم تلاش برای توجیه به اقتضات شرایط جاری کشور و تحقق رویکرد متوازن و سامان دهنده، در گفتارها و تحلیل های سیاسی اقتصادی رسانه‌ها تأکید کرد.

وی با مرور برخی تحركات وحدت شکن و پاس آفرین در کشور، این پدیده نامدار را ناشی از تنگ نظری های زمان ناشناسی ها و فقدان چارچوب جامع تحلیلی و درک صحیح از منافع واهمنیت ملی دانست و با ابراز تأسف از ناتوانی برخی چهره ها و شبه جریان ها و نیز تفکیک بین حب و بغض های شخصی و حزبی، نسبت به مسئولان دوله با اصول پایه و سازنده منافع و امنیت ملی، لزوم اصلاح اینگونه نگاه ها و تحلیل های کلی گانه سیاسی اقتصادی و اقدامات رسانه ای مرتب بر آن را خواستار شد.

رحمانی فضلوی با اشاره به برخی زمینه های پیش رو مانند ورودبه انتخابات که به طور طبیعی، میل به فعالیت‌های سیاسی را تشدید می کند، با یادآوری واقعیت‌های شرایط جاری کشور از جمله برپا شدن شرایطی که باعث شده در وضعیت معیشتی جامعه، تحقق موفق امر سیاسی در این شرایط را در گرو فعالیت های موفق و مؤثر در جهت اصلاح شرایط اقتصادی و خیر عمومی حاصل از این فعالیت ها ارزیابی کرد.

وی در ادامه به برخی تحلیل ها و اظهارنظرهای غیر منصفانه و ناروا علیه بخش های مختلف کشور و به طور خاص دولت اشاره کرد و گفت: در شرایطی که دشمنان کشور در نتیجه مقاومت مردم و اقدامات شایسته‌روزی بخش‌های مختلف به طور ویژه دولت، از به نتیجه رسیدن فتنه‌ها و توطئه های خود ناامید نشده و بی در پی در صدد ایجاد راه های جدید برای تحریک احساسات ملی خود هستند، بموازات و همزمان با فشار دشمن، برخی سبایسون و تحلیگران با انگیزه رقابت های سیاسی به به تصور غلط ضربه به دولت برای دفاع از نظام، دولت را آماج حملات و حمله قرار داده اند در حالیکه همه ما در یک کشتی هستیم و همه باید باهم برای منافع ملی و امنیت ملی کشور تلاش کنیم و در این مسیر دولت میبایست حسی ها و اهداف نظام را

رئیس ستاد اطلاع رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور با اشاره به اینکه در طول چندماه فعالیت ستاد، همواره بر مواضع اصلاحی، تذکر، انضامی و ارتدادگروندگان و ترویج گدگان گفتارهای پاس آفرینی و وحدت شکنانه تأکید شده است، استعمار پاس آفرینی و وحدت شکنی علیرغم همه تذکرات قبلی را غیر قابل قبول برشمرد و هشدار حقوقی قضائی ستاد را در پی پیگیری اجرای قانون در این عرصه کرد و از قوه قضائیه خواست در چارچوب اصول قانونی و از جمله برابر مصادبات شورای

دولت باید قیمت تمام شده طرح های پیمناکاری را مشخص کند

قدیمی ترین تشکل تخصصی فنی و مهندسی ایران هفته آینده در مراسم ویژه ای با حضور مدیران دولتی و فعالان بخش خصوصی، هفتادمین سالگرد حضور خود را در برنامه های عمرانی کشور جشن می گیرد.

مهندس منوچهر ملکبای فرد رئیس سندیکای شرکت های ساختمانی ایران دیروز در یک نشست خبری با اشاره به هفتادمین سالگرد تأسیس این تشکل و نقش مؤثر آن در احداث راه ها، سد‌ها، ساختمان ها، کارخانجات و دیگر طرح های بزرگ عمرانی ایران گفت: برای جامعه مهندسی کشور مهمترین مسأله، شفاف سازی پروژه های عمرانی و سلامت و ایمنی سازهای عمرانی است.وی با اظهار کالبدی از اهام در قیمت تمام شده اغلب طرح‌های پیمانکاری کشور گفت: دولت باید زمینه شفاف سازی قیمت تمام شده ساخت و سازها را مشخص کند.

وی ادامه داد: از دولت تقاضا داریم برای فرآیندهای پیمانکاری و طرح‌های ساخت و ساز پشت درهای بسته تصمیم گیری نکند و زمینه استفاده از دیدگاه های فعالان این حوزه را فراهم سازد.

ملکبای فرد گفت: اعضای این تشسکل رسمی و حرفه ای در ساخت مسکن مهر هیچ نقضی نداشته‌اند و نمی توانند سازهای این طرح را به لحاظ کیفیت و ایمنی تضمین کنند.وی با اظهار اینکه اکنون صنعت ساخت و ساز در دست جامعه مهندسی کشور نیست و روابط حاکم بر این حوزه را پول می‌توان می‌کند.گفت: کاربرد آهن آلات یا سایر مصالح وارداتی غیر استاندارد در پروژه های ساخت و ساز و طرح های عمرانی نشان می‌دهد که فکر مهندسی در فرآیند اجرای این طرح ها دور شده و معادلات سوداگرانه حاکم شده است.

رئیس سندیکای شرکت‌های ساختمانی همچنین گفت: در قراردادهای که پیمانکاران پروژه های عمرانی با دولت امضا می کنند، در صورت تسویه نقدی، سود پیمانکار از پروژه ۱۵ تا ۲۰ درصد است.

وی درباره قیمت تمام شده ساخت‌وساز گفت: در حال حاضر امکان تعیین نرخ قطعی برای هزینه ساخت‌وساز وجود ندارد چون هیچ ثباتی در بازار مصالح ساختمانی نداریم و هر روز ممکن است نرخ مواد اولیه ساخت‌وساز و نهادهای ساختمانی تغییر کند.بیه گفته ملکبای فرد، در زمانی که مسکن مهر ساخته می‌شد، دولت قیمت پیمانکار را با ۳۰۰ هزار تومان به ازای هر مترمربع تعیین کرد و پیمانکاران را در فضایی قرار دادند که مجبور شدند با این قیمت کار کنند. معلوم است ساختمانی که با متری ۳۰۰ هزار تومان ساخته می‌شود، از چه کیفیتی برخوردار خواهد بود.

رئیس سندیکای شرکت های ساختمانی ایران گفت: مراسم نکوداشت هفتادمین سالگرد تأسیس این سندیکای نهم بهمن در مرکز همایش های کتابخانه ملی ایران برپا می شود.

مهندس محمد غفاریان رئیس شـیـورای عالی سندیکای شرکت های ساختمانی هم به خبرنگاران گفت: تعامل ما با دولت به گونه ای شده است که در جلسات مختلف، مآرِف خودمان را می زنیم ولی آنها خواسته هوشان را انجام می دهند.

امضاء یک میلیارد دلار قرارداد افزایش توان تولید نفت با شرکت های ایرانی

۹ قرارداد از مجموعه بسته‌های قراردادی طرح نگهداشت و افزایش توان تولید در میدان‌های نفتی دست بهره برداری کشور بین شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت ایران و پیمانکاران ایرانی برنده مناقصات امضا شد. به گزارش ششلا، قراردادهای طرح نگهداشت و افزایش توان تولید نفت، عصر دیروز با حضور وزیر و جمعی از مدیران ارشد صنعت نفت، بین دو شرکت تابعه شرکت ملی نفت ایران و هفت شرکت ایرانی امضا و تکلیف ۹ بسته کاری از مجموع ۳۳ بسته کاری تعریف‌شده در این طرح مشخص شد.

امروز شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب قرارداد پروژه‌های کیود، کچساران خامی، لالی آسماری و نرگسی را به ترتیب با شرکت‌های شرکت حفاری و اکتشاف پتروکوهر فراساحل کیش و شرکت حفاری دانا کیش امضا کرد و قرارداد دو پروژه منصوری آسماری و راشیر هم بین شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت (اویک) امضا شد.

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران هم قرارداد پروژه‌های دانان، سعادت‌آباد و نفت‌شهر را به ترتیب با گروه مهیا، شرکت گلولاب پترونگ کیش و شرکت ملی حفاری ایران امضا کرد.

طرح نگهداشت و افزایش توان تولید در میدان‌های نفتی در دست بهره‌برداری کشور با پیش بینی بیش از ۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای اجرا در طول سه سال تعریف شده است. این طرح ملی که با هدف بهره‌مندی از توان شرکت‌های ایرانی و اشتغال‌زایی در دستور کار قرار گرفته، مشتمل بر ۳۳ پروژه است که ۲۹ پروژه در بخش خشکی و چهار پروژه در بخش فراساحل را شامل می‌شود. این پروژه ها با میانگین سرمایه‌گذاری حدود ۲۲۰ میلیون دلار و در محدوده جغرافیایی هفت استان نفت‌خیز کشور (خوزستان، بوشهر، فارس و هرمزگان، کرمانشاه، ایلام و کهگیلویه و بویر احمد) اجرا خواهند شد و پیش‌بینی می‌شود با اجرای آنها، ظرفیت تولید نفت خام کشور به‌طور میانگین حدود ۳۰۰ هزار بشکه

در روز افزایش یابد. وزیر نفت در مراسم امضای این قراردادها اعلام کرد: اجرای این طرح پیام روشنی به بیگانگان و برخی داخلی‌هاست که تلاش می‌کنند با تحریم در دل مردم نگرانی ایجاد کنند.

مهندس بیژن نامدار زنگنه با بیان اینکه ۴ درصد ۶ میلیارد تومان به اهداف مسئولیت اجتماعی اختصاص می‌یابد، تصریح کرد: این بدان معناست که ۲۲۰ میلیون



دلار (۲ هزار میلیارد تومان) برای مسئولیت اجتماعی اختصاص می‌یابد که تحول بزرگی است و سبب ایجاد روابط خوب بین نفت و بقیه می‌شود. وی از نوسازی تأسیسات صنعت نفت با اولویت مناطق نفت‌خیز جنوب به عنوان طرح دیگری که مورد پیگیری است، نام برد و گفت: هنر این نیست که از دولت پول دریافت کنیم و آن را به پول نقد تبدیل کنیم، بلکه هنر این است که از ثروت و امکاناتی که در اختیار داریم بدون آنکه به بودجه عمومی فشار بیاید، پول و ثروت خلق کنیم و این همان موضوعی است که در طرح

وزیر اقتصاد: خصوصی سازی باید با حداکثر اثربخشی و حداقل حاشیه‌ها باشد

وزیر امور اقتصادی و دارایی استفاده از روش های مختلف واگذاری متناسب با اقتضات و با عامل مهمی در افزایش اثربخشی واگذاری‌ها دانست.

به گزارش شبکه‌اخبار اقتصادی و دارایی ایران (شاد)، فرهاد دژپسند در سیدود چهل و پنجمین جلسه هیأت واگذاری، با بررسی اتفاقات وارده بر عملکرد واگذاری‌ها، انجام کالبدشکافی موشکافانه و آسیب‌شناسی از خصوصی سازی‌های انجام شده را برپای استعمار مسیر واگذاری بنگاههای دولتی به بخش خصوصی اجتناب‌ناپذیر دانست و از ارزیابی عملکرد اقدامات پیشین را در دستور مسیر راه آتی ضروری خواند.

وی واگذاری با کمترین ایجادشکرت‌های تعاونی برای فرآورگار، واگذاری مدیریت و اجاره به شـرط ملکیت با استفاده از ظرفیت اصل ۴۴ قانون اساسی را از جمله پیشنهادهای داندست که در مدل‌های مختلف واگذاری از سوی کارشناسان مطرح می‌شود.

وزیر اقتصاد درباره استفاده از ظرفیت اصل ۴۴ قانون اساسی تحت عنوان «شرکت‌های تعاونی سهمی عام فراگیر» بعنوان یک نهاد غیر دولتی اما منطبق با یک پایگاه خصوصی گسترش یافته نام برد و گفت، این نهاد زمینه ساز افزایش مشارکت شره‌های مختلف آحاد جامعه می‌شود و می‌تواند ضمن تقویت انجمن‌های صنفی، به ماندگاری و نظارت و پیشنهادهای حیاتی دولت، درکافتی

ثبت روزانه ۶۰ میلیون تراکش در نظام بانکی

رئیس کانون بانک ها و موسسات اعتباری غیردولتی از کاهش هزینه چاپ، نشر و امحاء اسکناس خبر داد و گفت: روزانه ۶۰ میلیون تراکش در نظام بانکی ایران به ثبت می‌رسد.

کروش پرویزیان در گفتگو با مهر با بیان اینکه پرداخت الکترونیک بدون شک یکی از مهمترین مسائل مربوط به عملیات و خدمات در دنیا است، گفت: در ایران هم اگر بخواهیم از پیشرفت‌های روز دنیا در سنت بانکداری عقب نمانیم، باید مدل‌های الکترونیک به‌شدت کاهش پیکازده است؛ ضمن اینکه بسیار ساده‌تر و سریع‌تر هم شده و این منافع و مزایای شامل حال طیف‌ها و کاربران متنوع و مختلفی است. پرویزیان ادامه داد: اگر اغلب جمعیت ایران را کاربران این شبکه‌ها بدانیم که به‌صورت مستقیم با این سیستم‌ها از این خدمات بهره می‌برند بنابراین باید هر کدام از این کاربران به قدر اتفاقی که می‌برند در تأمین هزینه‌ها مشارکت داشته باشند.

رئیس ستاد اطلاع رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور با مرور نتایج واحد و هماهنگ پژوهش ها و پیمایش های این انجام شده در حوزه های اجتماعی، بر ضرورت هنجارمند و قاعده مند کردن گفتارهای ابراز شده از تریبون مختلف در هر یک از بخش های جامعه، در راستای همبستگی اجتماعی تأکید کرد.

آگهی فروش ویژه ملک با اقساط بلندمدت وبدون کارمزد

شرکت امروزی بیرهرداری آزادراه تهران-شمال در نظر دارد یک دستسنگاه ملک اداری را در تهران از طریق مزایدهعمومی و به صورت اقساط بلندمدت و با تسهیلات استثنایی و تخفیفات پرداخت نقدی به فروش برساند.

علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ذیل و یا شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۰۰۸۹۳۲۶-۲۹ تماس حاصل فرمایند.

همشهری و اطلاعات به تاریخ‌های ۱۳۹۷/۱۱/۱۶ و ۱۳۹۷/۱۱/۱۳

ملکبای فرد گفت: اعضای این تشسکل رسمی و حرفه ای در ساخت مسکن مهر هیچ نقضی نداشته‌اند و نمی توانند سازهای این طرح را به لحاظ کیفیت و ایمنی تضمین کنند.وی با اظهار اینکه اکنون صنعت ساخت و ساز در دست جامعه مهندسی کشور نیست و روابط حاکم بر این حوزه را پول می‌توان می‌کند.گفت: کاربرد آهن آلات یا سایر مصالح وارداتی غیر استاندارد در پروژه های ساخت و ساز و طرح های عمرانی نشان می‌دهد که فکر مهندسی در فرآیند اجرای این طرح ها دور شده و معادلات سوداگرانه حاکم شده است.

فراخوان مناقصه عمومی شرکت تولید نیروی برق بیستون در نظر دارد مناقصه پروژه مهندسی، تأمین تجهیزات، نصب و راهاندازی سیستم خنک کن مدیای ثابت بالا دستی جهت خنک سازی هوای ورودی به توربینهای گازی H-25 نیروگاه اسلام آباد غرب به شماره ۰۰۴ ۱۵۷۶۰۰۰ ۲۰۰۹

منافصا: در ریافت اســناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و باز گشایی پاکتها: از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه مذکور در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۳ می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۵ روز چهارشنبه به تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۰ می‌باشد.

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه به تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۳ می‌باشد.

زمان باز گشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه به تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۳ می‌باشد.

جهت اطلاعات بیشتر فنی با شماره همراه ۰۹۳۷۳۸۲۱۹۴۱ و جهت اطلاعات اسنادی با تلفن ۰۸۳۳۴۶۴۲۰۲۰

داخل ۱۳۱۶ (آقای قنبری‌زاده) تماس حاصل نمایند.

شرکت تولید نیروی برق بیستون- فریبرز شریف‌نیا

اخبار داخلی

امضاء یک میلیارد دلار قرارداد افزایش توان تولید نفت با شرکت های ایرانی

نگهداشت و تولید انجام خواهد شد. وزیر نفت با این بیان اینکه طرح مهندسی مخزن

میدان‌های مهم مناطق نفت‌خیز جنوب و دیگر مناطق هم در حال اجراست، گفت: یکی از مزیت‌های طرح نگهداشت و افزایش تولید نفت این است که منابع ملی آن از دولت یا منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران تأمین نمی‌شود. منابع مالی این طرح‌ها قرار است از بخشی از افزایش تولید میدان بر اساس ماده ۱۲ قانون رفع موانع

تبدیل شده است که بیشتر پیمانکاران عمومی (جی‌سی) می‌توانند آن را انجام دهند. وی با بیان اینکه در اجرای طرح‌ها باید نظام اجرایی به گونه‌ای باشد که بالاترین کیفیت، منطقی باشد هزینه‌ها و زمان اجرای پروژه عملیاتی شود، افزود: این هدف مزمنه محقق می‌شود که به یکپارچگی، بهم پیوستگی، معنادر بودن و اقتصاد یک پروژه توجه شود.

وزیر نفت با تأکید بر اینکه در این طرح‌ها تنها از پیمانکاران داخلی استفاده می‌شود و بهره‌گیری حداثکری از سازندگان داخلی مدنظر است، گفت: فهرست بلندبایی از سازندگان داخلی تهیه شده است و پیمانکاران موظفند کالاهای مورد نیاز خود را از آنها تأمین کنند. وی ادامه داد: اجرای این کار بسیار مطلوب و در این شرایط آغاز خوبی است و ارزش این طرح‌ها در کنار قرارداد که شرکت نفت فالت قاره پیش‌تر امضا کرده، بیش از یک میلیارد دلار است.

زنگنه با بیان اینکه اجرای این طرح با تصمیم خودمان ماه ۶ به تأخیر افتاده است، گفت: دلیلش این بوده است که وقتی تولید این طرح‌ها آغاز می‌شود بتوانیم مدت اضافه را به راحتی در بازار به فروش برسانیم و بخشی از درآمد آن را برای واپها و اوراق مشارکت پرداخت کنیم.

در این مراسم همچنین معاون توسعه و مهندسی شرکت ملی نفت ایران گفت: در مسیر تأمین مالی طرح نگهداشت و افزایش توان تولید نفت در میدان‌های نفتی در حال بهره‌برداری تا پایان اسال ۲۰ هزار میلیارد ریال اوراق منفعت منتشر می‌شود.

رضا دهقان گفت: ۸۰ درصد تأمین مالی هر یک از بسته‌های قراردادی این طرح که قرارداد آن به صورت بیع متقابل با شرکت ملی نفت ایران امضا شده است، تأمین می‌شود و ۲۰ درصد آن باید از طرف پیمانکاران طرف قرارداد تأمین شود.

وی گفتست: به این منظور هفته آینده ۱۰ هزار میلیارد ریال اوراق منفعت منتشر می‌شود و امیدواریم تا پایان سال هم ۲۰ هزار میلیارد ریال دیگر از این اوراق منتشر شود.

برای اتخاذ تصمیمات مناسب درباره افزایش اثربخشی واگذاری‌ها، جلسه آتی هیات دو هفته آینده برگزار خواهد شد. در سیدود و چهل و پنجمین جلسه هیأت واگذاری، اعضای هیأت پیشنهادی در خصوص ارتقاء و بازنگری نحوه واگذاری‌ها ارایه کردند. دژپسند همچنین با بیان اینکه بنده فرصت نکرده‌ام موضوع متنوع الخروجی پوری حسینی را بررسی کنم، تصریح کرد: رئیس سازمان خصوصی‌سازی استعفا نداده است.

وی با اشاره به انتشار خبری مبنی بر ممنوع‌الخروجی پوری حسینی رئیس سازمان خصوصی‌سازی گفت: از رسانه‌ها این خبر را شنیدم‌ام، اما همکاران بنده در وزارت امور اقتصادی و دارایی خبر ممنوع‌الخروجی پوری حسینی را پیگیری کرده‌اند که این خبر تکذیب شده است.

برای اعلام شرایط خریداران شرکت های دولتی خبر دیگری جای است رئیس کل سازمان خصوصی‌سازی اظهار داشت خریدار شرکت‌های دولتی نباید بدهکار بانکی بوده، ممنوع‌المعامله نباشند و در خریدهای قبلی خود از سازمان خصوصی‌سازی هم به این سازمان بدهکار نباشد.

به گزارش شبکه اخبار اقتصادی و دارایی (شاد)، پوری حسینی رئیس کل سازمان

دومین نمایشگاه کار ایران با حمایت ویژه همراه اول برگزار می شود

دومین نمایشگاه کار ایران به مدت سه روز (۶ تا ۸ بهمن‌ماه) با حمایت ویژه همراه اول از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۶:۳۰ برگزار می‌شود.

به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، اهداف این نمایشگاه که توسط دانشگاه صنعتی شریف در

مجمعتم نمایشگاهی بوســتان گفتگوی تهران برگزار می‌شود، «رویارویی مستقیم کارجو و کارفرما»، «کمک به بهبود ارتقا برند کارفرمایان»، «تسهیل فرایند جذب و استخدام»، «معرفی فرصتهای شغلی موجود در بازار کار»، «معرفی سازمان ها و ادارات مرتبط و نیمه مرتبط با رشته تحصیلی»، «ایجاد یک محیط حرفه‌ای و با کیفیت برای تعامل بیشتر بین کارجویان و کارفرمایان»، «ایجاد حس مثبت مشارکت در کارفرمایان»، «برپایی کارگاه‌های آموزش کار و کارایی» عنوان شده است.
دومین نمایشگاه کار ایران، همراه اول با شعار «یک‌همکاری معتبر» و برپایی غرفه‌ای بزرگ در سالن «تهران» بوستان گفتگو با خدماتی همچون «برگزاری کارگاه با موضوعات متنوع»، «ارائه فرصت‌های شغلی، مشاوره شغلی، آشنایی با محیط شغلی و شغل‌های همراه اول» و «فرست ارتباط مستقیم با مدیران همراه‌اول» حضور دارد.

گفتنی است در نمایشگاه «ایران تکلام» سال گذشته، رئیس کمیسیون اجتماعی شورای اسلامی با تقدیر از عملکرد اپراتوراول گفته بود: «با توجه به فعالیتهای گسترده همراه اول، اشتغالزایی بالایی هم ایجاد شده است و ما به عنوان متولی اصلی اشتغال در مجلس از این اپراتور تقدیر می‌کنیم»

نفت ، طلا ، سکه و ارز	
▽ بازار جهانی	
هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تکزاس)	۵۳/۲۷ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۶۱/۵۷ دلار
م متوسط سبید نفت کشورهای اوپک	۶۱/۴۹ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۸۱/۷۰ دلار
▽ بازار داخلی	
سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۳۹۸۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۴۱۳۰۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۲۱۲۰۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۳۱۰۰۰۰ تومان
سکه گرمی	۷۰۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۳۷۳۵۰۰ تومان
دلار آمریکانرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی	۲۲۲۰۰۰ تومان
دلار آمریکاسامانه ستا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۱۴۹۵/۲ تومان
دلار آمریکانرخ صرفی)	۱۲۰۰۰۰ تومان
یورو(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۲۷۷۱ تومان
یورو(سامانه ستا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۳۲۹۸/۳ تومان
یورو(نرخ صرفی)	۱۳۵۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۵۲۰۹ تومان
پوند انگلستان(سامانه ستا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۹۷۹۹/۹ تومان
پوند انگلستان(نرخ صرفی)	۱۵۷۰۰ تومان
درهم امارات (نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۱۱۳۳/۷ تومان
درهم امارات (سامانه ستا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۳۱۸۲/۴ تومان
درهم امارات (نرخ صرفی)	۱۳۷۰۰ تومان

لگهای کوی‌تاه اقتصادی

خط فقر در تهران ۴ میلیون و ۵۱۲ هزار تومان است

عضو هیات رزینسه مجلس و کمیسیون تلفیق با اشاره به تورم ۳۶ درصدی سال آینده گفت: برای یک خانوار چهار نفره، خط فقر چیزی در حدود ۲ میلیون و ۲۵۵ هزار تومان است و البته این رقم در تهران متفاوت خواهد بود و در حدود ۵۲۲ میلیون و ۹۸۲ هزار تومان می‌شود.

به گزارش تسنیم، احمد امیرآبادی فراهانی در برنامه «متن و حاشیه» با اشاره به استخراج برخی آثار و ارقام از بودجه ۹۸ اظهار داشت: بر اساس لایحه بودجه ۹۸، در سال آینده شاهد تورم نقطه به نقطه در حدود ۵۰ درصد و تورم سالانه ۲۶ درصدی خواهیم بود.

وی در پاسخ به این سوال که چه تعداد از مردم تهران و سایر نقاط کشور چنین درآمدی دارند، گفت: خیلی از مردم، کمتر از این رقم درآمد دارند و این بر اساس آثار و ارقام استخراج شده از لایحه بودجه ۹۸ است.

کشف فساد در توزیع ۶۰ هزار تن قیر

۶۰ هزار تن قیر تحویلی به وزارت راه و شهرسازی در سالال های اخیر فقط بین سه پیمانکار توزیع شده که این نشان می دهد فساد در کار بوده است.

به گزارش ایرنا، مهندس محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی دیروز در نشست با مدیران خراسن‌های تابعه این وزارتخانه ضمن اعلام این خبر تأکید کرد: حراست ها باید از بروز تخلفات مهم جلوگیری کرده و قبل از وقوع مشکلات جلوی لطمات به کشور را بگیرند.

تعیین ضوابط جدید درباره اشعاب آب منازل

ضوابط جدید قانون مقررات ملی ساختمان درباره اشعاب آب منازل برای صرفه جویی مصرف آب تعیین شد.

صادق پویوسلار مدیر دفتر مدیریت مصرف و مطالعات کاهش آب بدون درآمد آبخای استان تهران در این باره گفت: بر اساس ابلاغ ویرایش چهارم بحث ۱۶ مقررات ملی ساختمان از سوی سازمان نظام مهندسی، تمامی ساختمان‌های در حال ساخت موظف شده‌اند تجهیزات بهینه‌سازی مصرف آب در ساختمان‌ها و شیرهای بهداشتی مطابق استانداردهای مدیریت مصرف آب نصب کنند. وی افزود: بر این اساس باید حاکمر خروجی آب مصرفی در دستشویی خصوصی شش لیتر، دستشویی عمومی دو لیتر، دستشویی با شیر خودکار شش لیتر، دوش هشت لیتر، سینک هشت لیتر، فلاش تاکت دو حالت سه و شش لیتر در هر ریزش و شیر آفایه شش لیتر در دقیقه باشد.

آگهی تغییرات شرکت سهامی آب منطقه‌ای سمنان (سهامی خاص)

به‌شماره ثبت ۴۴۰۴ و شناسه ملی ۱۰۴۸۰۱۱۲۸۰

به استناد صورتحلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ۱۳۹۷/۰۵/۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
صورت‌های مالی شامل ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه‌و نقد برای سال منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ شرکت مورد تصویب قرار گرفت.
سازمان حسابرسی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۴۳۲۲ به‌عنوان بازرس قانونی شرکت برای رسیدگی به عملکرد سال مالی ۱۳۹۷ انتخاب گردید.

روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات و روزنامه محلی پیام سمنان جهت درج آگهی‌های رسمی شرکت انتخاب گردید.
با ثبت این مستندت تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان سمنان اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری سمنان

مجلس از این اپراتور تقدیر می‌کنیم»

آگهی مزایده فروش سهام

بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و شرکت گسترش پاپا صنعت سینا (سهامی خاص) در راستای کاهش تصدی گری و مشارکت بیشتر بخش خصوصی قصد دارد نسبت به فروش ۱۰۰ درصد سهام خود معادل ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ سهم در شرکت لاستیک خوزستان (سهامی خاص) با شرایط مندرج در اسناد مزایده و به صورت نقد و یا نقدو اقساط از طریق مزایده عمومی به شرح ذیل اقدام نماید.

الف) قیمت و شرایط فروش:

قیمت پایه هر سهم ۱۶۰۰ ریال و ارزش کل سهام قابل واگذاری به مبلغ ۱۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد. بدیهی است بالاترین قیمت پیشنهادی در مزایده مبنای ثمن معامله قرار می‌گیرد.

ب) نحوه دریافت اسناد مزایده:

از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی علاقمند دعوت می‌شود برای کسب اطلاعات بیشتر از شرایط فروش و دریافت اسناد مزایده از تاریخ آگهی حداکثر تا روز دو شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۵ از ساعت ۸،۳۰ صبح تا ساعت ۱۶ (به استثنای ایام تعطیل) به آدرس شرکت گسترش پاپا صنعت سینا واقع در تهران -کیلومتر ۳ جاده مخصوص کرج - مقابل نیروی هوایی سپاه پاسداران پلاک ۶۱ و به‌واحد امور مالی، مجامع و مالکیت سهام مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۹۶۸-۴۴۶۹۰۴۴۶۳۳۳۸ یا ۴۴۶۹۰۴۴۶۳۳۳۸ تماس حاصل نمایند. ضمناً باز گشایی پاکت ها و برگزاری جلسه مزایده ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۶ می‌باشد.

نویت اول

بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و شرکت گسترش پاپا صنعت سینا (سهامی خاص)

در راستای کاهش تصدی گری و مشارکت بیشتر بخش خصوصی قصد دارد نسبت به فروش ۱۰۰ درصد سهام خود معادل ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ سهم در شرکت لاستیک خوزستان (سهامی خاص) با شرایط مندرج در اسناد مزایده و به صورت نقد و یا نقدو اقساط از طریق مزایده عمومی به شرح ذیل اقدام نماید.

الف) قیمت و شرایط فروش:

قیمت پایه هر سهم ۱۶۰۰ ریال و ارزش کل سهام قابل واگذاری به مبلغ ۱۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد. بدیهی است بالاترین قیمت پیشنهادی در مزایده مبنای ثمن معامله قرار می‌گیرد.

ب) نحوه دریافت اسناد مزایده:

از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی علاقمند دعوت می‌شود برای کسب اطلاعات بیشتر از شرایط فروش و دریافت اسناد مزایده از تاریخ آگهی حداکثر تا روز دو شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۵ از ساعت ۸،۳۰ صبح تا ساعت ۱۶ (به استثنای ایام تعطیل) به آدرس شرکت گسترش پاپا صنعت سینا واقع در تهران -کیلومتر ۳ جاده مخصوص کرج - مقابل نیروی هوایی سپاه پاسداران پلاک ۶۱ و به‌واحد امور مالی، مجامع و مالکیت سهام مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره

شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) توسعه معادن و صنایع معدنی خاور میانه (سهامی عام) –میدکو

گزارش امین طرح اوراق مشارکت در خصوص تفاوت سود قطعی دارندگان اوراق مشارکت طرح‌های فولادسازی، گندله‌سازی، کنسانتره

سنگ آهن شرکت‌های فولادسیرجان ایرانیان و فولاد زرن‌د ایرانیان، گندله‌سازی فولاد بوتیای ایرانیان، مس کاندی شرکت بابک مس ایرانیان

در تاریخ سررسید اوراق مشارکت به تاریخ ۱۴ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶



MIDHCO

گزارش حسابرس مستقل (امین طرح) در خصوص سود قطعی اوراق مشارکت طرح‌های فولادسازی

گندله‌سازی، کنسانتره سنگ آهن شرکت‌های فولادسیرجان ایرانیان و فولاد زرن‌د ایرانیان، گندله‌سازی فولاد بوتیای ایرانیان، مس کاندی

شرکت بابک مس ایرانیان

توسط شرکت مادر تخصصی توسعه معادن و صنایع معدنی خاور میانه (سهامی عام)

به سازمان بورس و اوراق بهادار

مقدمه

۱- در اجرای قانون مقررات بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت و آئین‌نامه اجرائی مربوطه، گزارش محاسبه سود قطعی اوراق مشارکت منتشره شرکت مادر تخصصی توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه (سهامی عام)، مربوط به طرح‌های فولادسازی، گندله‌سازی، کنسانتره سنگ آهن شرکت‌های فولاد سیرجان ایرانیان و فولاد زرن‌د ایرانیان، گندله سازی فولاد بوتیای ایرانیان و مس کاندی شرکت بابک مس ایرانیان در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ماه۱۳۹۶ بر مبنای ارزش منصفانه خالص دارائی‌ها، توسط این مؤسسه، حسابرسی شده است.

مسئولیت ناشر اوراق در قبال محاسبه سود قطعی

۲-مسئولیت تهیه گزارش محاسبه سود قطعی اوراق مشارکت، طبق قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت و آئین‌نامه‌های اجرایی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت و ابلاغیه شماره ۰۰۲/۴۴۰/پ/۹۴ سازمان بورس و اوراق بهادار، با ناشر است. به گونه‌ای که این محاسبات عاری از تحریف با اهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه باشد.

مسئولیت حسابرس مستقل (امین طرح)

۳-مسئولیت این مؤسسه، اظهار نظر نسبت به گزارش یاد شده بر اساسی حسابرسی انجام شده طبق استانداردهای حسابرسی است. استانداردهای مزبور ایجاب می‌کند این مؤسسه الزامات آیین رفتار حرفه‌ای را رعایت و حسابرسی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا کند که از نبود تحریف با اهمیت در گزارش محاسبه سود قطعی اوراق مشارکت، اطمینان معقول کسب شود.

حسابرسی شامل اجرای روش‌هایی برای کسب شواهد حسابرسی درباره مبالغ و دیگر اطلاعات افشا شده در گزارش محاسبه سود قطعی اوراق مشارکت است. انتخاب روش‌های حسابرسی به قضاوت حسابرس، از جمله ارزیابی خطرهای تحریف با اهمیت در گزارش محاسبه سود قطعی اوراق مشارکت ناشی از تقلب یا اشتباه بستگی دارد. برای ارزیابی این خطر، کنترل‌های داخلی مربوط به تهیه و ارائه گزارش محاسبه سود قطعی اوراق مشارکت به منظور طراحی روش‌های حسابرسی مناسب شرایط موجود و نه به قصد اظهار نظر نسبت به اثربخشی کنترل‌های داخلی واحد تجاری، بررسی می‌شود. حسابرسی همچنین شامل ارزیابی مناسب بودن رویه‌های حسابداری استفاده شده و معقول بودن برآوردهای حسابداری انجام شده توسط ناشر و نیز ارزیابی کلیت ارائه گزارش محاسبه سود قطعی اوراق مشارکت است.

محاسبه سود قطعی طرح‌های موضوع اوراق مشارکت مرحله دوم

شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) توسعه معادن و صنایع معدنی خاور میانه (سهامی عام)

۱- کلیات

۱-۱- مشخصات طرح موضوع اوراق مشارکت

هدف شرکت مادر تخصصی توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه(سهامی عام) از انتشار اوراق مشارکت موضوع این گزارش، تأمین مالی بخشی از منابع مورد نیاز پروژه‌های فولاد سازی (به ظرفیت اولیه ۱،۵۰۰،۰۰۰ تن در سال)، گندله سنگ آهن (به ظرفیت ۲،۵۰۰،۰۰۰ تن در سال) و کنسانتره سنگ آهن (به ظرفیت ۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰ تن در سال) شرکت فولاد زرن‌د ایرانیان و فولاد سازی (به ظرفیت جدید ۱،۰۰۰،۰۰۰ تن در سال) ، گندله سازی سنگ آهن (به ظرفیت ۲،۵۰۰،۰۰۰ تن در سال) و کنسانتره سنگ آهن (به ظرفیت ۲،۰۰۰،۰۰۰ تن در سال) شرکت فولاد سیرجان ایرانیان ، گندله سنگ آهن (به ظرفیت ۲،۵۰۰،۰۰۰ تن در سال) شرکت فولاد بوتیای ایرانیان، پروژه تولید مس کاندی (به ظرفیت ۵۰،۰۰۰ تن در سال) شرکت بابک مس ایرانیان می‌باشد. منابع مالی مورد نیاز برای اجرای طرح‌های فوق به مبلغ ۸۴،۸۸۱،۴۴۴:۵ میلیون ریال بوده که مبلغ ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ میلیون ریال آن از طریق انتشار اوراق مشارکت تأمین گردیده است. مرکز اصلی طرح در سادات آباد، بلوار فرهنگ، نبش خیابان معارف، شماره ۸، ساختمان میدکو واقع است.

۲-۱- مشخصات اصلی اوراق مشارکت

ناشر براساس مجوز شماره 112-DPM-IOP-91A-۱۳۹۱/۱۲/۱۶ موخ صادره توسط سازمان بورس و اوراق بهادار مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰۰ میلیون ریال اوراق مشارکت (شامل تعداد ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ورقه مشارکت به ارزش اسمی هر ورقه ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال) را در اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ با مشخصات زیر منتشر نمود:

- مدت اوراق : چهار سال
- تاریخ سررسید اوراق: ۱۳۹۶/۰۲/۱۴
- نوع اوراق مشارکت: بانام
- نرخ سود علی‌الحساب: ۲۰ درصد
- مقاطع پرداخت سود علی‌الحساب اوراق مشارکت: ماهانه
- امین: مؤسسه حسابرسی آزمون پرداز ایران مشهود (حسابداران رسمی)
- ضامن: شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام)
- بازارگردان: شرکت سرمایه گذاری پارس آریان (سهامی عام)
- سایر ویژگی‌های اوراق: قابل باز خرید قبل از سررسید

۲- مبنای تعیین مازاد سود قطعی

۱-۲- طبق ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت، میزان سود قطعی قابل پرداخت به دارندگان اوراق، پس از خاتمه اجرای طرح توسط امین طرح ظرف پنج ماه پس از سررسید نهایی محاسبه و به تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار میرسد. طبق ماده ۴۳ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (مصوب آذر ماه ۱۳۸۴ مجلس شسورای اسلامی) ناشر و امین مسئول جبران خسارات وارده به دارندگان اوراق مشارکت هستند که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به دلیل ارائه اطلاعات ناقص و خلاف واقع که ناشی از فعل یا ترک فعل آنها می‌باشد، متضرر گردیده‌اند.

۲-۲- مازاد قابل پرداخت به دارندگان اوراق مشارکت

ارزش منصفانه خالص دارایی‌های طرح در سرسید به نسبت مشارکت تسهیم و سپس مازاد قابل پرداخت محاسبه میشود. برای محاسبه مازاد قابل پرداخت به دارندگان اوراق مشارکت، ارزش سودهای علی‌الحساب پرداختی در سر رسید، از سهم دارندگان اوراق مشارکت از ارزش منصفانه خالص دارایی‌های طرح کسر می‌شود، که با توجه به بند “۳” این گزارش، سود علی‌الحساب پرداخت شده، قطعی تلقی می‌گردد.

۳-۲- نحوه محاسبه نسبت مشارکت

۱-۳-۲- نسبت مشارکت ناشر برابر با نسبت ارزش خالص آورده های ناشر در تاریخ سررسید به جمع ارزش خالص آورده های ناشر و ارزش آورده های دارندگان اوراق مشارکت در تاریخ سررسید است. همچنین نسبت مشارکت دارندگان اوراق مشارکت برابر با نسبت ارزش آورده‌های دارندگان اوراق مشارکت در تاریخ سررسید به جمع ارزش خالص آورده های ناشر و ارزش آورده های دارندگان اوراق مشارکت در تاریخ سررسید است.

۲-۳-۲- برای محاسبه نسبت مشارکت فرض اصلی این است که پرداخت سود علی‌الحساب در هر حال بر عهده ناشر است. مفروضات بعدی به شرح زیر خواهد بود:

- آورده دارندگان اوراق مشارکت و آورده و برداشت ناشر در محاسبات نسبت مشارکت لحاظ می‌گردد.

- پرداخت سود علی‌الحساب از منابع ناشر، آورده ناشر تلقی نمی‌شود و در محاسبات نسبت مشارکت لحاظ نشده است.

- پرداخت سود علی‌الحساب از منابع طرح، برداشت ناشر تلقی و در محاسبات نسبت مشارکت از آورده ناشر کسر شده است.

-نرخ مورد استفاده در محاسبه ارزش آورده‌ها و برداشت‌های ناشر و آورده دارندگان اوراق مشارکت در سررسید، نرخ یازده داخلی طرح است. نرخ یازده داخلی طرح برابر با نرخي است که ارزش آورده‌ها و برداشت‌های ناشر وآورده دارندگان اوراق مشارکت در تاریخ سررسید را برابر ارزش منصفانه طرح کرده است. - آورده‌ها و برداشت های ناشر طی دوره براساس وضعیت مالی هر شش ماه گزارش امین محاسبه شده است.

۳- مازاد قابل پرداخت به دارندگان اوراق مشارکت

شرح	یادداشت	میلیون ریال
ارزش منصفانه خالص دارایی‌های طرح در سررسید	۱-۳	۴۹،۶۵۷،۴۱۳
نسبت مشارکت دارندگان اوراق مشارکت (درصد)	۲-۳	%۱۰،۸۹
سهم دارندگان اوراق مشارکت ارزش اسمی اصل اوراق مشارکت		۵،۴۰۵،۲۷۱ (۳۰۰۰۰۰۰۰)
ارزش سودهای علی‌الحساب پرداختی در تاریخ سررسید		(۳،۲۸۲،۸۵۵)
مازاد قابل پرداخت به دارندگان اوراق مشارکت	۳-۳	(۸۷۷،۵۸۴)

۱-۳- نحوه محاسبه ارزش منصفانه خالص دارایی های طرح در سررسید

شرح	یادداشت	میلیون ریال
ارزش منصفانه دارایی های طرح	۱-۱-۳	۹۴،۰۸۷،۲۹۴
ارزش منصفانه بدهی های طرح	۱-۱-۳	(۴۴،۴۲۹،۹۸۱)
ارزش منصفانه خالص دارایی‌های طرح‌ها در سررسید		۴۹،۶۵۷،۴۱۳

۱-۱-۳- ارزش منصفانه دارایی ها و بدهی های طرح

کارشناسی های لازم جهت ارزش گذاری طرح به تاریخ ۱۳۹۶/۰۲/۱۴ و توسط کارشناسان رسمی دادگستری استان کرمان صورت پذیرفته است: آقایان منصور شاه محمدی، علی طالبی زاده، محمد رضوانی، محمد جواد اکبریان و محمدرضا ایزدپناه کارشناسان رسمی دادگستری در رشته ماشین آلات و تجهیزات؛

آقایان علی اکبر صاحب قلم، نوید ظاهری زاده، هوشنگ معین وزیری، محمدرضا علیزاده، علی قائم پناه ، غلامعباس پورسیدی و محمدرضا وکیلی کارشناسان رسمی دادگستری در رشته ساختمان؛

براساس گزارش کارشناسی ، ارزش منصفانه دارایی ها و بدهی های طرح به شرح زیر می باشد:

شرح	مبلغ (میلیون ریال)
ارزش دارایی های جاری (نقدو بانک، دریافتنی های غیر تجاری، موجودی ها وپیش پرداختها)	۱۰،۸۴۴،۴۴۷
ارزش منصفانه دارایی های غیر جاری	۱-۱-۱-۳
ارزش بدهی های جاری	۸۳،۷۳۳،۱۴۷
ارزش منصفانه خالص دارایی های طرح	۴۴،۴۲۹،۹۸۱
	۴۹،۶۵۷،۴۱۳

۱-۱-۱-۳ ارزش دارایی های عملیاتی طرح

الف) زمین و ساختمان

ردیف	نام طرح	نام کارشناس	مبلغ (میلیون ریال)
۱	مس کاندی بابک مس	علی اکبر صاحب قلم	۱،۱۳۲،۹۸۶
۲	فاز دوم کنسانتره سنگ آهن سیرجان	نوید ظاهری زاده	۶۸۴،۰۶۵
۳	گندله سازی سیرجان	هوشنگ معین وزیری	۹۳۱،۴۲۹
۴	فاز دوم کنسانتره سنگ آهن زرن‌د	محمدرضا علیزاده	۸۳۴،۵۸۶
۵	گندله سازی زرن‌د	علی قائم‌پناه	۱،۵۷۱،۳۰۴
۶	فولاد سازی بردسیر	غلامعباس پورسیدی	۱،۲۰۸،۱۳۳
۷	فولاد سازی زرن‌د	محمدرضا وکیلی	۳،۵۸۰،۷۲۲
۸	گندله سازی بوتیا	غلامعباس پورسیدی	۱،۱۸۳،۱۹۵
	جمع ارزش زمین و ساختمان		۱۱،۱۲۶،۴۲۰

ب) ماشین آلات و تجهیزات

ردیف	نام طرح	نام کارشناس	مبلغ (میلیون ریال)
۱	مس کاند بابک مس	منصور شاه محمدی	۴،۸۹۲،۱۵۵
۲	فاز دوم کنسانتره سنگ آهن سیرجان	علی طالبی زاده	۷۰۰،۱۴۳۸
۳	گندله سازی سیرجان	محمدرضوانی	۴،۵۹۰،۰۰۰
۴	فاز دوم کنسانتره سنگ آهن زرن‌د	محمد جواد اکبریان	۵،۵۲۱،۵۲۹
۵	گندله سازی زرن‌د	محمد جواد اکبریان	۵،۶۰۴،۸۴۶
۶	فولاد سازی بردسیر	محمدرضا ایزدپناه	۴،۵۵۹،۳۸۴
۷	فولاد سازی زرن‌د	محمدرضا ایزدپناه	۳۴،۰۳۰،۱۰۳
۸	گندله سازی بوتیا	محمد جواد اکبریان	۶،۱۳۰،۶۶۲
	جمع ارزش ماشین آلات و تجهیزات		۷۲،۶۰۶،۷۲۷

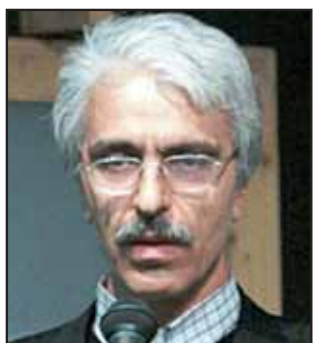
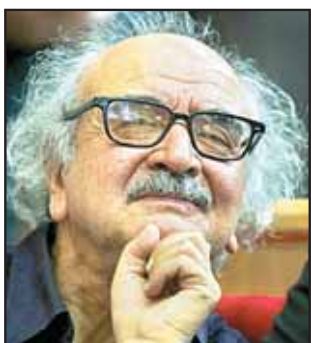
۲-۳- نحوه محاسبه نسبت مشارکت

شرح	ارزش در تاریخ سررسید میلیون ریال	نسبت مشارکت درصد
آورده های ناشر	۴۹،۷۷۱،۱۲۰	—
کسر می شود: برداشت های ناشر	(۴،۴۸۱،۴۸۲)	—
خالص آورده های ناشر	۴۵،۲۸۹،۶۳۷	۸۹،۱۱
آورده دارندگان اوراق مشارکت	۵،۵۳۳،۲۸۲	۱۰،۸۹
جمع خالص آورده ناشر و دارندگان اوراق	۵۰،۸۲۲،۹۱۹	۱۰۰

۱-۲-۳- جهت محاسبه قدرالسهم دارندگان اوراق مشارکت و ناشر، مبالغ با نرخ یازده داخلی طرح معادل ۱۵،۳ درصد در زمان سررسید اوراق در نظر گرفته می‌شود.

۳-۲- زمان بندی پرداخت مابه‌التفاوت سود قطعی و سودهای علی‌الحساب پرداخت شده با عنایت به مازاد سود پرداختی به دارندگان اوراق مشارکت بند “۳”، سود علی‌الحساب پرداختی، قطعی تلقی می‌گردد.

هیأت مدیره شرکت مادر تخصصی(هلدینگ) توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه (سهامی عام) – میدکو



نوشته جلال رفیع دریاب استاد شفیع کدکنی

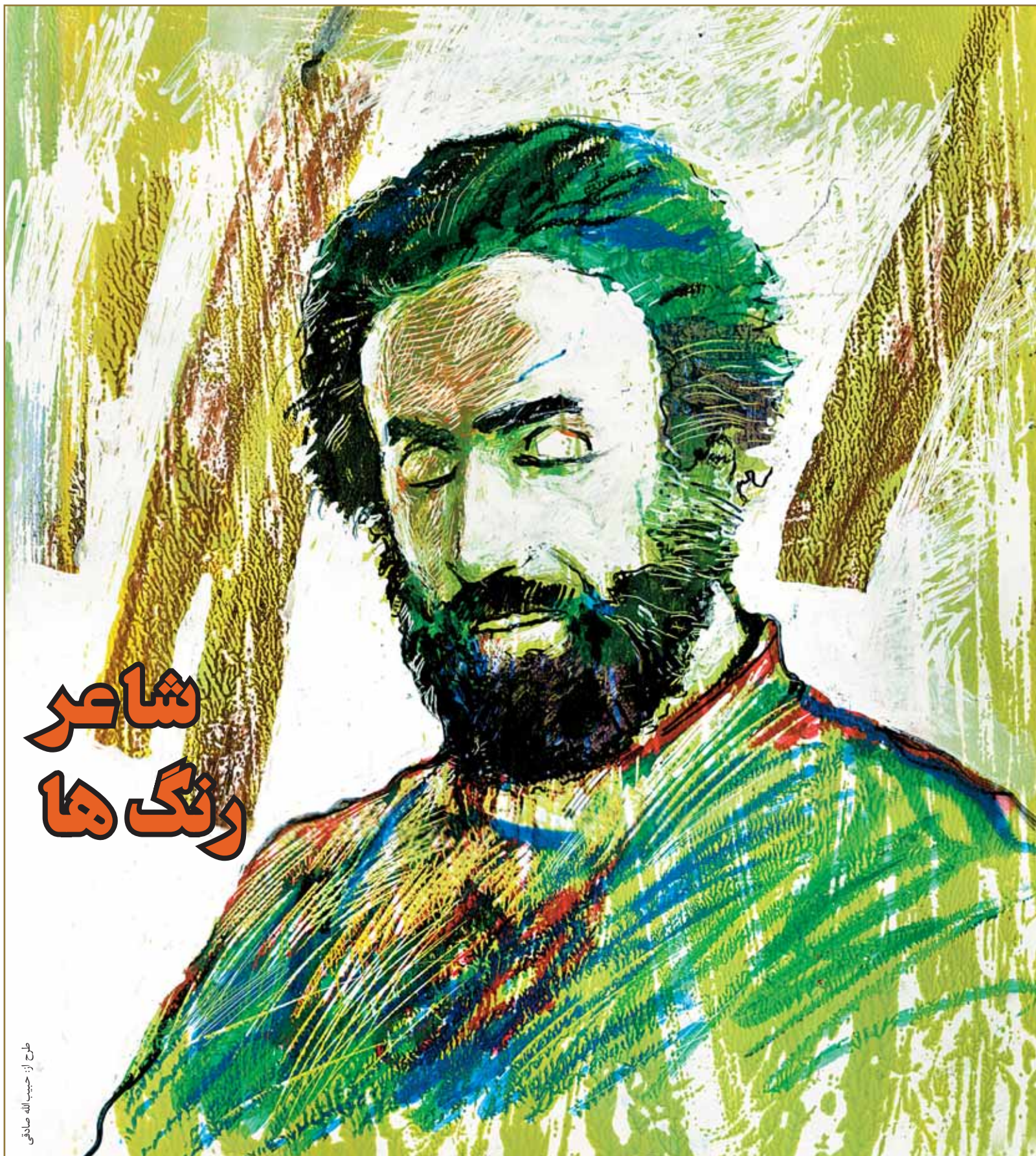
جواهر تراشی کلمات

۵ و ۴



۳۸۶

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۷ - سال نود و سوم - شماره ۲۷۲۰۵



شاعر رنگ ها

طرح از: حبیب الله صادقی

● محمدکاظم حسینیان

«بچه‌ها روی سقف ماشین می‌نشستند، به دست‌اندازها که می‌رسیدند، صدای جیغ و دادشان در تمام باغ‌ها می‌پیچید، بین زمین و آسمان می‌پریدند و با شیطننت کودکانه‌شان میوه‌های درختان را می‌چیدند، میوه یک درخت که تمام می‌شد، فریاد می‌کشیدند، دایی جون تمام‌شد! بریم درخت بعدی! و این دایی جون البته سهراب سپهری بود که با حوصله هر چه تمام‌تر خواهرزاده‌هایش را می‌برد به گشت و گذار در تمام روستاهای کاشان...

طفل پاورچین پاورچین...

همایون دخت، خواهر بزرگ‌تر سهراب می‌گوید: «سهراب بچه سوم بود، اول برادر بزرگ‌ترمان

نکردند تا رشته دیگری بخواند و اینچنین بود که سهراب در دوره نوجوانی برای ادامه تحصیل به تهران آمد و به مدرسه شبانه‌روزی می‌رفت و برای نخستین بار از خانواده دور شد.

پدرم وقتی مرد...

مهدی قراچه‌داغی، نوه بزرگ خانواده و پسر همایون دخت است که با سهراب رابطه بسیار نزدیکی داشته و رابطه‌اش با دایی‌اش که او را «سهراب خان» می‌نامد، بیشتر دوستانه بوده: «نخستین تصویری که از او یاد می‌آید زمانی بود که ۱۱ ساله بودم و پدر بزرگم (پدر سهراب) فوت کرده بود. رفته بودم روی پله‌های خانه آقا جان نشسته بودم و گریه می‌کردم و سهراب آمد و به من گفت مردها که گریه

داشت و از نظر روان‌شناسی، تا حدود زیادی یک خیال پرداز بود؛ آدمی با ذهنی به شدت تصویرساز و البته یک عاشق طبیعت که هر جا می‌رفت و به هر نقطه‌ای که سفر می‌کرد، راضی‌اش نمی‌کرد و همیشه ناآرام بود. زمانی از نیویورک برایم نامه نوشت که آدم اینجا وقتی پنجره‌ها را باز می‌کند، جز صدای هوهوی اتومبیل‌ها را نمی‌شنود. قبل از آن در شعرش از «سقف بی‌کفتر صدها اتوبوس» می‌گوید و این تفکر تا سال‌ها بعد در او ادامه داشت.

آنجا که می‌گوید: «من که از بازترین پنجره با مردم این ناحیه صحبت کردم»، یا «هیچکس زاغچه‌ای را سر یک مزرعه جدی نگرفت» و اینجا همان جایی است که به این ذهنیت می‌رسد که



درباره سهراب سپهری شاعر رنگ‌ها

■ از پانزدهای سهراب سپهری

سکه ریختن عیدی در هوا که همین طور سکه‌ها را می‌ریخت و ما بین زمین و هوا با جیغ و شادی آنها را جمع می‌کردیم. دوست داشت این شادی را به وجود بیاورد و خودش لذت ببرد و ما هم لذت ببریم.

باغ ما شاید...

و سهراب عاشق طبیعت بود به گواهی همه شعرهایش و حالا خواهرزاده‌هایش از این عشق می‌گویند. مهدی قراچه‌داغی البته از عشق دیگری هم سخن می‌گوید: «عاشق طبیعت بود و خیلی خانواده دوست. مادرش را بسیار دوست می‌داشت. آن جا که در وصف مادرش می‌گوید مادری دارم بهتر از برگ درخت؛ باز هم اشاره‌اش را از طبیعت برنمی‌دارد. مقایسه می‌کند که برگ درخت در چه مرتبه‌ای از اعلا وجود دارد و مادرش را باز هم از آن بیشتر دوست دارد. هر جا که هست، به درخت و برگ و گل ارج می‌نهد.»

جمیله نیز همچنان خاطرات کودکی را مرور می‌کند که با طبیعت آمیخته است: «از این ده به آن ده که می‌رفتیم، همه ما را هر لحظه متوجه طبیعت می‌کرد: «اون پرند رو ببین!» یا اسم این گیاه این است... به جوی آب که می‌رسیدیم، همه کفش‌ها را می‌کندیدیم و پاهای مان در آب خنک می‌شد یا زمانی که با ماشینش ما را این طرف و آن طرف می‌برد. گاهی روی سقف لندورش می‌نشستیم و در دست‌اندازها می‌پریدیم و جیغ می‌کشیدیم. گاهی می‌گفت برویم فلان ده شاهتوت بخوریم! طفلک خودش یکی دو تا می‌خورد اما ما بچه‌ها مثل وحشی‌ها همه توت‌ها را می‌خوردیم. وقتی میوه‌های یک درخت تمام می‌شد، با پا می‌زدیم روی سقف ماشین و داد می‌زدیم دایی جون تموم شد! یا مثلاً ما را می‌برد باغ دیگری که از قبل نشان کرده بود و با لحنی مثل گوینده‌ها می‌گفت پنجره را باز کنید و از سمت راست خود اندکی سماق بکنید! «من گیاه سماق را تا آن موقع ندیده بودم.»

همایون دخت هم از برادری می‌گوید که می‌توانست خودش را به اندازه بچه‌ها کوچک کند و عاشق گل بود. طبیعتاً مردی که هر لحظه در جذب طبیعت و گل و درخت است، نمی‌تواند تنها نظاره‌گر باشد بلکه هر فرصتی دست دهد، دست به کار کاشتن و پروردن می‌شود. پروانه از درختانی می‌گوید که سهراب کاشته بود: «به خانه گیشا که رفتیم، تازه‌ساز بود و حیاطش چیزی نداشت. خود سهراب درخت اقاکیا کاشت و آلبالو و سیب و انجیر سیاه و چقدر قشنگ شدند! از جاده کرج نهال‌های شان را خریده بود. زمانی که در بیمارستان پارس بستری بود، روزی در خانه، پرده اتاقش را کنار زد، دیدم درخت اقاکیا پر از گل است! حالم بد شد و دوباره پرده را کشیدم...»

جمیله هم خاطرات دیگری در این زمینه دارد: «ما هم در بابل باغی داشتیم که می‌خواستیم در آن سرو بکاریم. دایی جون آمد و با دقتی خیلی عجیب انگار که خط‌کشی کرده باشند، جای دقیق کاشت درخت‌ها را مشخص کرد.»

از حادثه عشق

ماجرای عاشقانه سهراب هم یکی از علامت سوال‌های بزرگ است. مردی با این همه احساس نگاهش به عشق چیست و اصولاً زندگی‌اش چقدر دستخوش حوادث عاشقانه شده است. اما این پرسشی نیست که به آسانی بتوان پاسخش را پیدا کرد؛ چرا که هنرمند مورد نظر ما به شدت درونگراست. بنابراین وقتی عشق به میان می‌آید، خانواده‌اش با صدای بلند می‌خندند و مثل یک امر مسلم می‌گویند: به ما که نمی‌گفت! اما می‌دانستیم یک چیزهایی هست ولی هیچ‌وقت نمی‌پرسیدیم این عشق خطاب به کدام زن است.

ادامه در صفحه ۳

اینجا هم آن جایی که باید باشد، نیست و شعر بسیار زیبای «باید امشب بروم...» را می‌گوید. از نیویورک با یک حالت دلزدگی به این جا برمی‌گردد به این امید که این بار کسانی پیدا شوند که زاغچه‌های سر مزرعه را جدی بگیرند ولی اتفاق نمی‌افتد. اول شعر «صدای پای آب» از روی خیال و تصویر ذهنی این آرزوهایش را مطرح می‌کند. دنبال مدینه فاضله‌ای می‌گشت که وجود خارجی نداشت.

معلوم نبود دنیایی که از آن حرف می‌زند، کجاست. آنجا که می‌گوید چه درونم تنهاست، یکی از شاهکارهای اوست. یعنی با استفاده از کلمه چه، اوج حرفش را می‌زند این که به طرز وحشتناکی درونش تنهاست! آدمی بود با چنین روحیه‌ای و چنین نگاهی به زندگی داشت.

لب دریا برویم

جمیله فاطمی، دختر پریدخت سپهری، دیگر خواهرزاده سهراب است که از روزهای خوش کودکی می‌گوید و از خاطره‌هایی که با «دایی جون» گره خورده: «زمانی که دایی جون فوت شد، ۱۸ سالم بود بنابراین خاطره‌های من از همان بچگی است. من بابل به دنیا آمدم و دایی جون در آن مدتی که بابل بودیم، دوبار آمدند پیش ما و همه خاطراتی که از او دارم، پر از شادی و خوشی است و خنده. تابستان‌ها با دایی جون و خاله جان می‌رفتیم باغ چنار و گاهی هم در تهران یا یزد دور هم بودیم. گاهی دایی جون در این دورهمی‌ها نبود ولی وقتی که می‌آمد ما خواهرزاده‌ها همه از شادی فریاد می‌کشیدیم چون با او به ده‌های اطراف می‌رفتیم برای پیاده‌روی و بالای کوه. زمین فوتبال و والیبال هم درست کرده بودیم. دایی جون با بچه‌ها خیلی خوب بود چون بچه‌ها بی‌شلیله پیله هستند و او عاشق این بود که بچه‌ها را متوجه چیزی کند و آنها را بخنداند. مثل

نمی‌کنند! بیا بریم لب حوض. موهایش را با شماره ۴ کوتاه کرده بود و برای این که مرا بخنداند شیر آب را باز کرد و دست‌هایش را به آب می‌زد و به سرش می‌کشید و نشان می‌داد همه سرش هنوز پر از مو است و شروع می‌کرد به خنده. می‌خواست کاری کند که مرا از آن حال و هوا بیرون بیاورد.»

مرگ پدر نخستین مواجهه این خانواده با مرگ است. پروانه این خاطره تلخ را مرور می‌کند: «برای ادامه تحصیل به اتریش رفته بودم. مرگ پدر زمانی اتفاق افتاد که شبش از اتریش آمده بودم و پدر تا صبح فردا دیگر تمام کرد. سهراب سراسر شب قدم می‌زد و پیدا بود چقدر ناراحت و کلافه است اما صحبتی نمی‌کرد.»

همایون دخت نیز درباره برخورد سهراب با این اتفاق می‌گوید: «در خودش می‌ریخت و سعی می‌کرد ناراحتی‌اش را ظاهر نکند ولی آدم احساس می‌کرد عمیقاً ناراحت است. اگر ناراحتی پیش می‌آمد، خوددار بود.»

در مهمانی دنیا

سفر مرا به در باغ چند سالگی‌ام برد/ و ایستادم تا دلم قرار بگیرد...

سهراب سفرهای بسیار کرد اما این سفرها هم او را آرام نکرد و قراچه‌داغی از این سفرها می‌گوید: «همان طور که در شعرش می‌گوید: «من به مهمانی دنیا رفتم»، در ۱۳-۱۲ سالگی من بیشتر خارج از کشور بود.

بعد از این که دانشسرای مقدماتی و دانشگاه هنرهای زیبا را با رتبه اول پشت سر گذاشت، سفرهای سهراب به چندین کشور شروع شد. مدت قابل توجهی در پاریس ماند و به ژاپن هم رفت و یونان، اتریش و انگلیس... حرفی که همیشه درباره او دارم این است که یک دل بی‌قرار

بود، بعد من و بعد سهراب. وقتی به دنیا آمد، دو سالم بود و خودم هم کوچک بودم و خیلی چیزها را به یاد نمی‌آورم اما یاد می‌آید سهراب شیطان بود و ما با هم همبازی بودیم. بازی‌های ما هم شبیه بازی‌های بچه‌های دیگر بود. دوزبازی می‌کردیم که روی کاغذ بود. من ۶ ساله بودم و او ۴ ساله. بعد هم که بزرگ‌تر شدیم، تخته نرد بازی می‌کردیم.

با وجود شیطننت‌هایش مدرسه رفتن را دوست داشت. صبح زود قبل از باز شدن مدرسه، پشت در بسته، نشسته بود منتظر، حتی اگر برف آمده بود یا هر چیز دیگری. درسش خیلی خوب بود. ریاضی را خیلی دوست داشت و نقاشی را هم. و شاگرد نمونه تنها یک ایراد داشت: «یکی از معلم‌هایش گفته بود تو همه چیزت خوب است و فقط عیب این است که نقاشی می‌کنی! چون سهراب سر کلاس نقاشی می‌کشید. قریحه‌اش را داشت و سر هر درسی مشغول نقاشی بود. البته این حرف را معلم نقاشی نگفته بود ها!»

ذوق شاعری هم خیلی زود خودش را نشان داد: «از همان کودکی به نقاشی و شعر علاقه‌مند بود. نخستین شعرش را در ۸ سالگی گفت؛ زمانی که بیمار شد و نتوانست به مدرسه برود:

ز جمعه تا سه‌شنبه خفته نالان / نکردم هیچ یادی از دبستان

ز درد دل شب و روزم گرفتار / ندارم یک دمی از درد آرام

«پروانه» خواهر جوان‌تر سهراب است. او و سهراب با مادرشان زندگی کرده‌اند. او هم از روزهای کودکی می‌گوید: از باغ بزرگی که در کاشان در آن زندگی می‌کردند؛ از پدر و مادرشان که با فعالیت‌های هنری سهراب مشکلی نداشتند و با این که پسرشان شاگرد نمونه بود، او را مجبور

شاعر رنگ‌ها

ادامه از صفحه ۲

همایون دخت نخستین کسی است که پرسش را با او در میان می‌گذاریم: «توی خط ازدواج نبود. هر زنی هم عقیده‌اش نبود. می‌دانست به آن زن خوش نخواهد گذشت.» پروانه هم در ادامه صحبت خواهرش اضافه می‌کند: «یک بار گفت ازدواج نمی‌کنم چون هر که زن من بشود، بیچاره خواهد شد! سهراب نمی‌توانست یک جا بند شود، می‌گفت با این وضعیت کدام دختری را بدیخت کنم؟ زندگی کردن با هنرمند خیلی سخت است! وقتی در بیمارستان پارس بستری بود، دختر خانمی بود که هر روز به بیمارستان می‌آمد و یک دسته گل گرد می‌آورد ولی من اجازه نمی‌دادم کسی به دیدن سهراب برود مبادا از طریق کسی از بیماری‌اش مطلع شود و هر روز ناراحت می‌شدم که نمی‌توانستم آن دختر خانم را به اتاقش راه بدهم اما او دوباره فردا می‌آمد و باز هم گل می‌آورد. دلم برایش می‌سوخت. زن‌های زیادی اطراف سهراب بودند ولی او دوست نداشت کسی را به سختی بیندازد.» مهدی قراچه‌داغی هم که نامه‌نگاری‌های زیادی با سهراب داشته معتقد است: «هر زمان از عشق حرف می‌زند، منظورش طبیعت است البته تنها جایی که به صراحت نام زنی را می‌آورد آنجاست که می‌گوید:

دیدم حوری دختر بالغ همسایه

پای کمیاب‌ترین نارون روی زمین

فقه می‌خواند!

«نوعی زن گرای هست. البته در جاهای دیگری هم می‌گوید «رفتم تا زن» اما به عنوان کسی که سال‌های زیادی را با سهراب گذرانده‌ام، باید بگویم او هم یک مرد کاملاً طبیعی بود. مانند همه مردهای طبیعی به زنان گرایش داشت. زیبایی را دوست داشت و به زنان احترام می‌گذاشت و اصلاً نگاه سنتی به زن نداشت اما مسائل خصوصی و عاشقانه‌اش را با کسی مطرح نمی‌کرد و من نیز مسائل شخصی‌اش را بازگو نمی‌کنم، چون حریم شخصی است.»

او اما با نگاه آرمانی سهراب به عشق چندان موافق نیست: «در شعرهایش به این مورد برنخورده‌ام. هر چند به نظرم همه حرف سهراب درباره عشق است، منتها عشق به طبیعت، هستی و وجود نه الزاماً عشق به یک جنس مخالف. مشخصاً از خیلی زن‌ها خوشش می‌آمد ولی دنبال چیز خاصی در این زمینه نگردید!» با وجود اینها سهراب مثل برخی از مردان هنرمند نبود که به کارهایی مثل آشپزی هم علاقه‌مند باشد و مهدی قراچه‌داغی با خنده تأکید می‌کند: «مردهای کاشان یکی از افتخارهای‌شان این است که اصلاً به خانم‌ها در کار خانه کمک نکنند!»

عاشق ورزش

علاقه سهراب به طبیعت بر کسی پوشیده نیست اما شاید کمتر کسی بداند او عاشق ورزش بود و هر جمعه برای تماشای فوتبال به ورزشگاه می‌رفت.

مهدی قراچه‌داغی خاطرات جالبی را بازگو می‌کند: «تمام جمعه‌ها بدون استثنا می‌رفتم امجدیه. بحث نداشت! او عاشق تماشای فوتبال بود و البته حرکات ژیمناستیک را هم به زیبایی انجام می‌داد. لب حوض این حرکات زیبا را انجام می‌داد چون در بچگی ورزش کرده بود و خیلی به ورزش علاقه داشت. سه تیم را خیلی دوست داشت؛ اول از همه تیم ملی، بعد پاس و عقاب. اگر تیم مورد علاقه‌اش بازی داشت، از گل فروشی بالای امجدیه چند شاخه گل می‌گرفتیم و آنها را پرپر می‌کرد و در یک کیسه نایلون می‌ریخت. وقتی به امجدیه می‌رفتیم، اگر تیم مورد علاقه‌اش گل می‌زد، گل‌های پرپر را روی سر مردم می‌ریخت!»

جمیله هم از دیگر علاقه‌ورزشی‌دایی‌اش می‌گوید: «کشتی هم دوست داشت و تمام اصطلاحات، قوانین آن را می‌دانست. یک بار نشسته بودیم و فوتبال می‌دیدیم به مامان گفت تخمه بیاور و او به اندازه یک مشت تخمه آورد و دایی جون گفت: این که اندازه دیدن دو صد متر است!» طبق گفته پروانه، باید به علاقه‌های سهراب، کتاب را هم اضافه کنیم که البته قابل پیش‌بینی است: «از صبح تا شب کتاب می‌خواند. به فرانسه کتاب می‌خواند. فرانسه را از خود فرانسوی‌ها بهتر حرف می‌زد از لاروس کتاب می‌خرد و انگلیسی هم می‌دانست.»

تا هوای خنک استغنا

حتی اگر نگاهی گذرا به شعر بلند «صدای پای آب» انداخته باشید، حتی برای لحظه‌ای شک نمی‌کنید که سهراب به شیوه خودش بسیار دیندار بود و این موضوعی دیگر است که قراچه‌داغی بر آن صحه می‌گذارد: «سهراب بسیار دینمدار و خداپرست بود. به گواهی شعرهایش که می‌گوید

«و خدایی که در این نزدیکی است

لای این شب‌بوها

پای آن کاج بلند...»

ادامه دارد

در کوچه باغ اندیشه / ۱۱۱

کریم فیضی

در تنور زمان

و از چیزهایی که می‌توانند از دل زندگی بیرون بکشند در غفلت و تغافل محض‌اند.

آنچه از متن و بطن زندگی قابل استخراج است، بیرون از اندازه است. هر کس هر چیزی دارد، از زندگی استخراج کرده است؛ گنجینه زندگی.

حکومت ناسالم، در اصل قفلی است که بر زبان و بر اذهان و بر ارواح زده می‌شود. هیچ چیزی به اندازه استبداد ارواح و عقول را به تباهی نمی‌کشد.

هیچ کلیدی به اندازه آزادی، قفل وجودی آدمی را باز نمی‌کند.

تاریخ شهادت و حتی نشان می‌دهد که انسان چه استعداد شگرفی در گم شدن در غفلت و بیراهه رفتن دارد. صفحات تاریخ نشان می‌دهد انسان چقدر راحت گم می‌شود و پشت به نور حرکت می‌کند.

ذکر و یاد خدا، یا دعا و طلب از خدا، برای بازگشت به مسیر و کشف مبدأ و مقصد است.

آنجا که در راهی طولانی در بیابانی بی‌نام و نشان گم شویم، هیچ چیزی جز خدا قادر به پیدا کردن ما نخواهد بود.

ذکر برای پیدا شدن توسط خداست. با ذکر انسان از آغوش ابهام به آغوش خدا برمی‌گردد و در دستان او آرام می‌گیرد.

نه متافیزیک قرآن باز شده است نه فیزیک قرآن. به نظر می‌رسد عصر قرآن هنوز فرانسیده است.

ناامیدی، جهان را از هر طرف جمع می‌کند و منتهی می‌کند به شمی که‌چان که آن را نیز خاموش می‌کند، تا ناامید در تاریکی مطلق گم شود و چیزی را نه ببیند، نه بخواهد.

تقدس دو نوع است: تقدسی که می‌جوشد و تقدسی که رسوب می‌کند. تقدس اول ذاتی است و از خدا تغذیه می‌کند. تقدس دوم فریبی بیش نیست که از جهل عوام تغذیه می‌کند.

وزان دعا وزان خداست. به همین جهت دعای هر کسی به اندازه اعتقادش به خدا برد دارد.

یک دعا ممکن است - از نظر دعاکننده - دیر مستجاب شود اما اینکه هرگز مستجاب نشود محال است. تعیین کردن دیر و زود برای استجاب یک دعا، هیچ تأثیری در اجابت دعا ندارد.

انسان است و خواسته‌ها و خواستن. خواسته‌های آدمی اگر به یک خواسته منتهی نشود، آدمی سر از محدودیت در نمی‌آورد.

قبض مقام نیست اما بسط حتماً مقام است. آن که بسط ندارد مقام ندارد.

اگر دقت کنیم هیچ کاسه‌ای خالی نیست.

قبض و انقباض به هر دلیل و به هر شکل باشد، کفران نعمت است: نعمت وجود، نعمت حیات، نعمت هستی و نعمت خدا.

قبض بخصوص قبض‌های بی دلیل و قبض‌های خودخواسته نفی خداست و نفی آفرینش و نفی رحمت و برکات حق.

اگر نگاه ما توحیدی باشد، حرفی بالاتر از «حقوق بشر» وجود ندارد. در نگاه توحیدی حقوق بشر، فریضه‌ای است که فرائض دیگر بعد از آن قرار می‌گیرد.

زمان تنور است و انسان نان. نان برای پختن، ناچار از تنور است. آدمیزاد در تنور زمان می‌پزد یا می‌سوزد یا خام می‌ماند.

زمان خصلتی جز گذشتن و گذراندن ندارد. زمان با حرکت معنی پیدا می‌کند و حرکت گذشتن و عبور است.

انسان قاعده ساز نیست و قواعد را وضع نمی‌کند بلکه قواعد را می‌فهمد، مانند هزاران قاعده‌ای که فهمیده است اما میلیون‌ها قاعده هم هست که انسان هنوز به فهم‌شان نایل نشده است.

آزادی بیش از خودش است. در ساحت اجتماع آزادی موجب تعادل جامعه است. به همین جهت، جامعه‌ای که آزادی‌اش تامین نشده باشد، آرامشی را تجربه نخواهد کرد.

آزادی روح جامعه نیست بلکه چیزی است که روح جامعه با آن موجودتش را حفظ و اعلام می‌کند.

جامعه ناآزاد خواه ناخواه به انواعی از بیماری‌های اجتماعی مبتلا خواهد شد و درمان نخواهد شد مگر با آزادی.

نبود آزادی سلب امید و سلب امید سلب حیات است. در جامعه ناآزاد هیچ چیزی نمی‌تواند در جای خودش باشد.

نه انسان و نه خدا هرگز متوقف نمی‌شوند. انسان می‌رود خدا می‌آید. انسان بدون رفتن قابل تصور نیست، خداوند بدون آمدن.

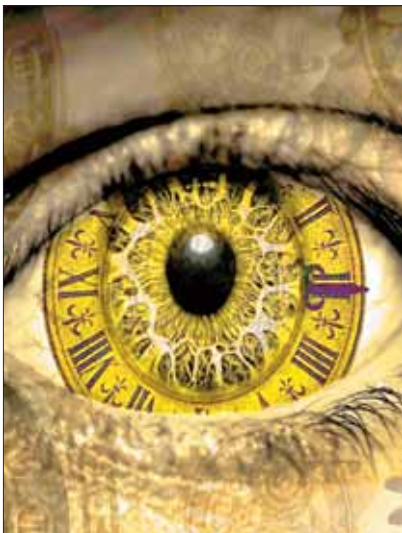
جامعه هزار سر دارد و هزار سر است، ازدها محسوب شود یا فرشته. تناقض‌هایی که جامعه در جان و پیکر انسان می‌ریزد از اندازه و شماره بیرون است.

برای کسی که پرسش ندارد، جهان بی‌معنی است اما برای کسی که پر از پرسش است، جهان جوابی است بی‌پایان؛ جوابی فوق جواب و جوابی بعد از جواب، هزار جواب برای یک پرسش. پس باید پرسش داشت تا جهان زنده شود. بدون پرسش همه چیز بی‌معنی است از جمله خود پرسش.

قرآن کتاب نامکشوفی است. قرآن کشف نشده است، شاید به دلیل اینکه اهل ظاهر با نوع و نحوه‌شان باعث شده‌اند قرآن از حیطه فکر و اندیشه خارج شود.

قرآن دارای حاکمیتی است قایم به خودش: محتوم، قطعی و البته بدون ستیز.

با کمی کم و زیاد و بالا پایین، انسانها در ناشکری مثل هم اند





● جلال رفیع

اشاره: در شمارهٔ قبل با نگاه نویسنده به جامعیت منظومهٔ استاد شفیعی کدکنی آشنا شدیم و اینک ادامهٔ سخن.

«سفر به خیر» شفیعی کدکنی، که نه تنها ورد زبان نخبران و غیرنخبگان شده (عوام و خواص آن را می‌خوانند و لذت می‌برند)، بلکه گاه به عنوان امثال سائره مورد استفاده قرار می‌گیرد. چندان که حتی نام و عنوان شعر از «سفر به خیر» تبدیل شده است به: «... به کجا چنین شتابان». گویی ترجمه آزادی است از آیه آسمانی «فاین تذهیبن»؟ ... «هوس سفر نداری / ز غبار این بیابان»؟

و سرانجام «سفرت به خیر! آما، تو و دوستی، خدا را/ چو از این کویر وحشت به سلامتی گذشتی/ به شکوفه‌ها به باران/ برسان سلام ما را». همین مقدار برای گوش جان شنونده و خواننده کافی است تا تمامی «رشته‌های عصب و عصبی روح»ش را به اهتزاز در آورد. همچون پرچی پیچیده در امواج نسیم بر فراز بام ناگج‌آباد. همان بهشت گمشده در جان آدمی. همان مدینه فاضله موعودی که آدمی همیشه و همه‌جا آن را در ورای مدینه بخشیدن به زبان معمول فریاد کرده و آدرس پرسیده است. البته اجزاء و عناصر و ار کان نیز در این شعر شفیعی قابل بررسی است، اما هیأت کلی آن با لایحاله و بالأسقلال «شعر» است، موسیقی است، خیال است، آرایه روح است، هر چند مثل غزل سعدی می‌تواند زبان کوچه و بازار هم باشد. این، همان ارتقاع دادن و ارتقاء و ارتقاع بخشیدن به زبان معمول است. شکستن و زدودن ابتذال زبانی در شعر با بهره‌گیری از همان زبان مبتذل یا مبتذل‌نما و آنگاه عمق و اوج دادن به آن، هنر سادای نیست. «خلق جدید» است. جلوه‌ای از صفت خلاقیت وجود. و به تعبیر کتاب اسمانی «نهٔ آلفی خلق جدید». از همین قبیل است شروع شعر «دیباچه سفر به باغ» که می‌گوید: «بخوان به نام گل سرخ در صحرای شب/ که باغ‌ها همه بیدار و بارور گردند/ بخوان دوباره بخوان تا کیوتران سبید/ به آشنایانه خوئین دوباره برگردند/ بخوان به نام گل سرخ در رواق سکوت....».

در همان شعر دیباچه، این فراز را بشنوید: «تو خامشی، که بخواند/ تو می‌روی، که بماند؟/ که بر نهالک بی‌برگ ما ترانه بخواند؟». و باز هم بشنوید، فرازی دیگر از شعری دیگر را. شعری که تماشش فراز است، بی‌نشیب، بی‌شکبک هم هست. شتاب فاعله را تداعی می‌کند. و نام این سروده؟ «حتی نسیم را» است. «دیوارهای سبز نگارین/ دیوارهای جادو، دیوارهای نرم/ حتی نسیم را/ بی‌پرس‌جو اجازه رفتن نمی‌دهند...». حتی نسیم را بی‌پرس‌جو اجازه رفتن نمی‌دهند. این نیز ورد زبان شده و در زمره امثال سائره درآمده است. اینکه کسی بتواند ابتذال را به اهتزاز درآورد و کاربرد یک زبان فاخر و فخیم را از آن بخواده، بی‌آنکه ادای فریضه فحامت به و خلعت زبانی منجر شود یا به «داد»ی آن فریضه نخستین، خود نشاگر آنست که دستان چنین هنرمندی از اکسیر معانی و بیانی پُر است. کیمیای کلام در اختیار او است. مس را طلاکردن اینست. بنابر همه آنچه اشاره شد، می‌توان گفت که شعر شفیعی به شیوهای چشمگیر و دلنواز توانسته است فضایی را فراهم آورد برای تنفس آزاد در هوای قدیم و جدید، عهد قدیم و عصر جدید، سنت و مدرنیته، قرن هفتم و قرن بیستم و اخیراً بیستم و یکم، هزاره دوم و سوم، شرق و غرب، دیروز و امروز، گذشته و حال، حافظ و نیما، مولانا و اخوان، سعدی و سهراب و ده‌ها علامت تعجب دیگر!...

راستی را، آیا نمی‌توان گفت که زندگی حافظ، بدعت و جسارت نیما‌شور و سماع مولانا، روانسرای سعدی، نقاشی سهراب و حتی تجربه‌های ویژه سایه و بهار و شهریار و شاملو و فروغ، در شعر شفیعی به مرزهای وحدت وجودی‌شان نزدیک شده‌اند؟ در عین حال که با آن متفاوت‌اند؟ اگر این ادعا درست باشد که کلام شاعرانه‌ی امثال شاملو و سهراب... هر کدام در جایی و در جعتی –زیاده رفته است، باری شعر شفیعی را می‌توان به امتدال بهاری نزدیک‌تر یافت. و اعتدال؟ «به اندازه تر کیب کردن، عناصر مختلف و مقوم شعر را!».

هنر شفیعی این است: پیوند موفق (که نتیجه جزای موفق است) میان دو زبان و دو زمان چه به لحاظ فنی و شکلی و چه به لحاظ مضمون و محتوا. همچنین راحت و روان بودن و توقیف داشتن در این سروسلوک شاعرانه و هنرمندانه چه از حیث خلق

اجزاء و عناصر سازنده‌ی هویت هنری یک اثر و چه از حیث خلق هیأت کلی و تصویرسازی کلان و مفهوم متولد شده از روح جاری و ساری در کالبد هر اثر. و علاوه بر همه این‌ها انتقال حس مسئولیت انسانی و اجتماعی و حتی سیاسی به خواننده و شنونده شعر، به نحوی که او خود را انگار در متن مهمترین رخدادهای زمانه و درست در وسط صحنه و ناگزیر از انتخاب و گزینش و لااقل نوعی از انکش مسئولانه می‌بیند. احساس مسئولیت اجتماعی، در شعر شفیعی (بویژه در دفترهای شعر معروف استاد در دهه پنجاه) موج می‌زند. چنین خصیصه‌ای همواره این خطر را داشته است که ناگهان یا به تدریج شعر از درونمایه هنری‌اش تهی کند و فقط آنرا به اعلامیه سیاسی و حزبی برانگیزاننده‌ای مبدل سازد که منهای آن دیگر ارزشی نداشته باشد. شعر فقیر یا نظریه‌پر باز هر نام دیگر. اما شعر شفیعی، در همان حال که موج مسئولیت‌آفرینی‌اش سر به اوج می‌زند، از این وادی خطرناک جان به سلامت بیرون برده و ماندگار شده است.

درینی دیگر باید گفت که استاد باز هم مجال کامل را نیاافته است برای آنکه آثار تمامی شاعران ممتاز را نه تنها با محک صورخیال، بلکه با همه محک‌های نقادی خویش در بوته نقد و تحلیل قرار دهد. استاد می‌تواند بهترین نقد و نظریه‌پرداز در حوزه شعر معاصر نیز باشد. کار سترگ نیما و شاملو و اخوان و فروغ و سیمین و سایه و شهریار و بهار در عالم شعر، با نقادی و نظریه‌پردازی استاد در عالم تحقیق قطعاً غنای بیشتری خواهد یافت. نه فقط با نقادی و نظریه‌پردازی «ادبی و هنری» بلکه همچنین «اجتماعی و انسانی و روانشناختی».

بسیاری از اساتید برجسته موسیقی ما، شاعران توانمند ما، محققان و صاحبزنان جامعه دانشگاهی در حوزه نقد ادبی و عرفانی ما، همواره با اشتیاق و افتخار می‌کوشند تا در زمینه‌های مورد علاقه و تخصص خودشان نقد و نظریه و راهگشایی استاد شفیعی را بشنوند و پشتوانه و سرمایه‌ی خلق آثار خویش کنند. نقد استاد را باید تقدمایه و سرمایه‌ی خواند. در باب حافظ‌شناسی، سعدی و مولوی شناسی، فردوسی و خیام شناسی، جامعه ادبی و هنری ما سخت محتاج و مشتاق آثار عالمانه و نواندیشانه‌ی شفیعی کدکنی است. روزی در محفلی ادبی، سخنی از حافظ و مولانا به میان آمد. یکی از اساتید موسیقی کشور گفت: من از اسناد شفیعی کدکنی در این باره پرسیده‌ام. ایشان سخنی با این مضمون به من گفته‌اند: «به نظرم می‌رسد که وقتی سناریوی این عالم هستی را می‌نوشته‌اند، همان موقع جای و جایگاه مثنوی مولانا و اشعار حافظ را نیز معین کرده‌اند». آنگاه فصلی در این باب گفتگو شد.

من (نگارنده این یادداشت) نیز گفتم که در آثار همان استاد (شفیعی کدکنی) در باب مولانا و عرفان خوانده‌ام که فرموده است: «در تاریخ بشر –یا در تاریخ ایران و اسلام–، عرفان هیچ گاه صدایی به بلندی صدای مولانا نداشته است و پس از جلال‌الدین محمد بلخی رومی دیگر صدایی بلندتر از صدای او در این وادی ظهور نکرده است. صدای مولوی بلندترین صدای عرفان در تاریخ اندیشه‌های انسانی است» (آنچه می‌گویم مضمون سخن است نه عین آن؛ و نیز مضمونی است که در ذهن ما از آن سخن‌ها شکل گرفته است). البته آن روز من در همان محفل، دو بیت طنزآمیز را خواندم از زبان شاعری که شاگردانه و شوخ‌طبعانه در یکی از غزل‌های معروف حافظ دخل و تصرف کرده است:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

به خال هندویش بخشم دل و جان و سر و پا را

اگر من چیز می‌بخشم ز ملک خویش می‌بخشم

نه چون حافظ که می‌بخشد سمرقند و بخارا را(۱)

استاد ناظر موسیقی ما، البته حق داشت که برآشف و گفت: در محصولات اشراقی مولانا و حافظ و امثالهم نباید به شوخی یا جدی دخل و تصرف ادبی (پدیی) کرد. و آنگاه به کلام استاد شفیعی نیز به شرح مذکور اشاره فرمود. گفتم اولاً این بزرگان (مولانا و حافظ) خودشان هرچه خواسته‌اند (از شوخی و جدی) بر دوش عالم و آدم بار کرده‌اند. ثانیاً خود استاد شفیعی به شاعرانه‌ترین وجه در شعر سعدی دخل و تصرف کرده و «لا»ی شیخ شیراز را با «حتا»ی شعر نیشابور به زیبایی تمام و با طنزکی این گفته، نقل کرده است:

بیرون نمی‌توان کرد «حتی» به روز گاران

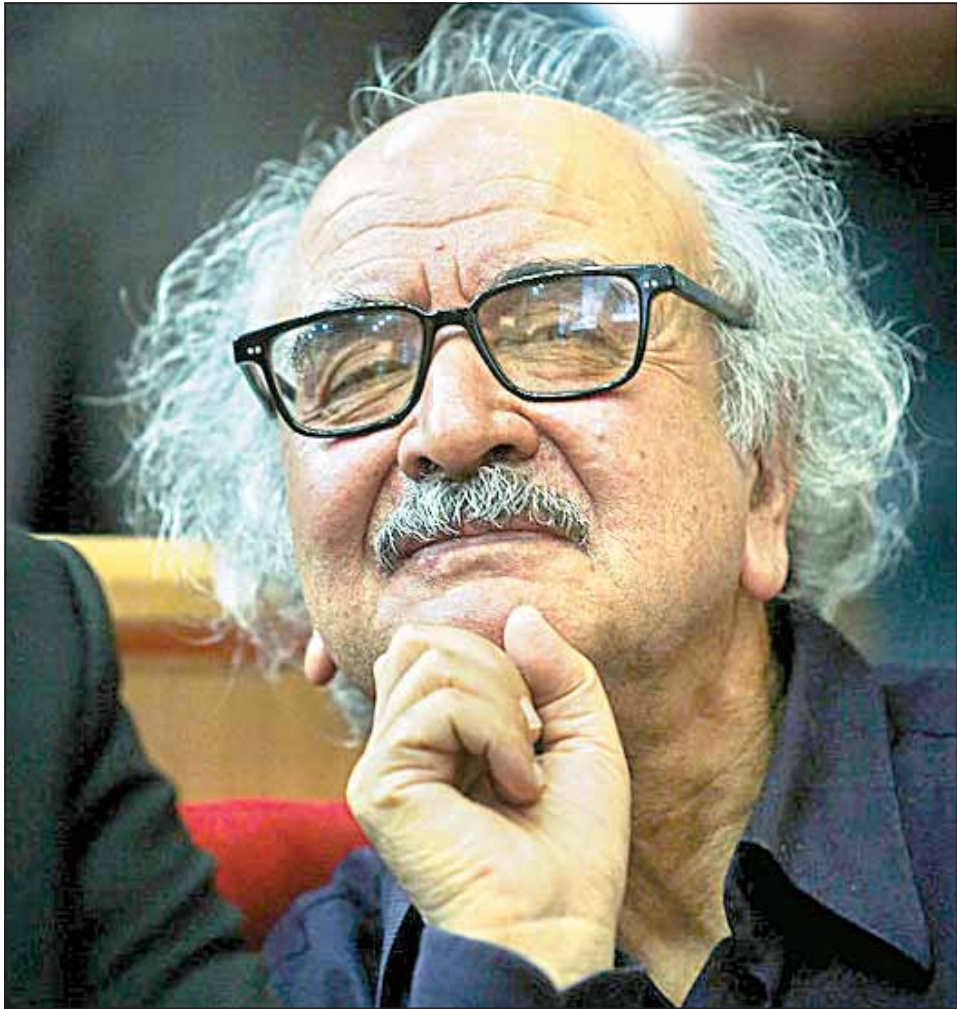
اکنون نکتهٔ مورد تأکید اینست که وقتی حتی یک جمله یا یک پاره از متن منسوب به استاد شفیعی تا بدین پایه اذهان اهل ادب و هنر را تحریک می‌کند و تحول می‌بخشد، روشن است که آنان تا چه حد و تا کجا به آثار علمی و تحقیقی موسع و مستوفای

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

نگاهی ناقص و ناتمام به درخشش کارنامه ادبی واجتماعی استادشفیعی کدکنی

در چنددهه‌ی پیش وپس از انقلاب۲/

جواهر تراشی کلمات



■ استاد شفیعی کدکنی

استاد احساس نیاز می‌کنند. همانطور که اشاره کردم نه فقط با محک نقد ادبی بلکه همچنین با محک نقدهای اجتماعی و تاریخی و (به تقلید از خود ایشان): «روانشناسیک و جامعه‌شناسیک». و انصافاً چه کسی شایسته‌تر از او، برای نگاه و نقدی که مبتنی بر جامعه‌شناسی ادبی و روانشناسی ادبی و هنری در تاریخ ادبیات و هنر این کهن بوم و بر باشد؟ البته این حرف‌ها و اظهار نیازها بدان معنا نیست که جز استاد شفیعی کدکنی دیگر کسی در این میان گرفته است). البته آن روز من در همان محفل، دو بیت طنزآمیز را خواندم از زبان شاعری که شاگردانه و شوخ‌طبعانه در یکی از غزل‌های معروف حافظ دخل و تصرف کرده است:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم دل و جان و سر و پا را

اگر من چیز می‌بخشم ز ملک خویش می‌بخشم
نه چون حافظ که می‌بخشد سمرقند و بخارا را(۱)

استاد ناظر موسیقی ما، البته حق داشت که برآشف و گفت: در محصولات اشراقی مولانا و حافظ و امثالهم نباید به شوخی یا جدی دخل و تصرف ادبی (پدیی) کرد. و آنگاه به کلام استاد شفیعی نیز به شرح مذکور اشاره فرمود. گفتم اولاً این بزرگان (مولانا و حافظ) خودشان هرچه خواسته‌اند (از شوخی و جدی) بر دوش عالم و آدم بار کرده‌اند. ثانیاً خود استاد شفیعی به شاعرانه‌ترین وجه در شعر سعدی دخل و تصرف کرده و «لا»ی شیخ شیراز را با «حتا»ی شعر نیشابور به زیبایی تمام و با طنزکی این گفته، نقل کرده است:

بیرون نمی‌توان کرد «حتی» به روز گاران
اکنون نکتهٔ مورد تأکید اینست که وقتی حتی یک جمله یا یک پاره از متن منسوب به استاد شفیعی تا بدین پایه اذهان اهل ادب و هنر را تحریک می‌کند و تحول می‌بخشد، روشن است که آنان تا چه حد و تا کجا به آثار علمی و تحقیقی موسع و مستوفای دیگری که یادآوری خواهم کرد.

و کتاب‌های خویش به هر حال، هم اثری را پدید می‌آورد مؤثر و ماندگار، هم نظر نه‌ای را تدوین می‌کنند چشمگیر و راهگشا، و هم دستاوردی را در کارنامه خویش ثبت می‌کنند درخشان و شکوهمند. استاد نیز چنین است، بلکه صدرنشین است، حتی می‌توان گفت از شدت ظهور مخفی می‌نماید. کارنامهٔ تولیدات ادبی و هنری و فرهنگی و اجتماعی او هر ورش دفتری است از معرفت اثر گذار و نظریه‌پرداز. هر یک، دستاوردی است، اثری است، نظر نه‌ای است. اما بسیاریان که در عین برخورداری از اوصاف مذکور، آنجا که باید خودشان خلق کنند و بسازند و بسرایند و هنرآفرینی کنند، عاجز می‌مانند. در حالی که شفیعی کدکنی ذوالیومین و ذواللساین و ذوجائین است. در هر دو عرصه درخشیده و می‌درخشد. به قول امروزیان است. در هر دو حوزه تئوریک و پراتیک.

پس، شعر شفیعی کدکنی از نظر من به عنوان دانشجوی خواننده‌ی آثار او، مهمترین اثر استاد است و مهمترین دستاورد نیز مرتب بر همین است و شاید مهمترین نظریه ادبی و هنری را نیز بتوان در همین اثر سراغ گرفت. این اثر، تلفیق و به عبارت بهتر ترکیب بسیار طبیعی و درونی و موفق میان کهنه و نو (یا بهتر است بگویم دو دنیای کهن و نو) را مثل یک «تابلو»ی نقاشی در مقابل چشمان ما می‌نهد. صاحب اثر با تسلط بر هر دو دنیا و هر دو زبان توانسته است تابلوی «نقاشی واژه‌های انتخابی»‌اش را بر دیوار بلند نمایشگاه ادبیات این سرزمین بیاویزد. حتی شاید بتوان گفت عرفان و سیاست هم در این اثر چنان هم‌افش شده‌اند که تفکیک آن‌ها از یکدیگر میسر نیست. نام‌ها و نشانه‌ها و واژه‌ها در حوزه شکل و فرم همبسته‌اند است، در حوزهٔ مفهوم و محتوا نیز. خواننده و شنونده چنین احساس می‌کند که کلمات منتخب، زیر رگبار تازیانه‌ی سروسلوک از هفت وادی مذهب و تاریخ و تمدن و عرفان و سیاست و خلاقیت و موسیقی هنرمندانه عبور کرده و در هر وادی به آب چشمه‌ی همانجا شستشو داده شده است. یعنی در سروسلوک این هفت وادی بلکه هفت‌اد وادی تقریباً بهترین گزینش‌ها انجام گرفته است. شفیعی در بستر وزن و قافیه به آزادی و انتخاب رسیده است و با آزادی کامل عمل می‌کند، اما بی‌وزنی و بی‌قافیگی را به ابزار یی برای توجیه می‌زگمی و بی‌هنری تبدیل نکرده و موسیقی خاص شعر را با استادی و ابتکار حفظ و حراست کرده است. در همین حال شعر شفیعی سرشار از قدرت انتقال حس مسئولیت انسانی و کاملاً برخوردار از ویژگی موضوعیت اجتماعی و سیاسی است. اما موضوعیت سیاسی شعر شفیعی و مسئولیت انسانی نهفته در کالبد آن هرگز چنان نیست که با زوال مناسبت‌های زمانی و مکانی و با سپری شدن دوره‌های تاریخی، از سروده‌های استاد فقط یک جسد بسازد و یک اعلامیه بعد از تاریخ انقضاء. نه، آن موضوعیت و این مسئولیت، هر دو بر پایه عشق و هنر مبتنی است. عشق زوال‌ناپذیر و هنر پایدار. همان که در وصفش گفته‌اند:

بیستون ماند و بناهای دگر گشت خراب

این در خانه عشق است که باز است هنوز
و نیز همان که باز هم در وصفش گفته‌اند:

غیر از هنر که تاج سر آفرینش است

بنیاد هیچ سلطنتی پایدار نیست
«کبریت‌های صاعقه»، «کتیبه‌ای زیر خاکستر»، «سورگنامه» و هر کدام از نمونه‌های هنری دیگر را که می‌خوانید و می‌شنوید، حجتی می‌بینید برای اثبات آن ادعا که گفتیم، سیاسی‌ترین و مسئول‌ترین سخن، آما نقش و نگار شده بر پرده زیبای هنر. منتخب‌کاری و قلمکاری و معزق‌سازی و جواهر تراشی کلمات. به نظر من دو تن خراسانی زیرک، سر ساواک را به اصطلاح کلاه گذاشتند. شریعتی مریزانی و شفیعی کدکنی. یکی با کلاه شرعی و مذهبی چنین کرد و آن دیگری با کلاه ادبی و هنری. کارشناسان رژیم وقت، فقط وقتی حقیقت را در یافتند که دیگر خیلی دیر شده بود. شریعتی به تنهایی نماد یک ارتش چریکی و پارتیزانی مسلح در بخش «دارا» یک چوگونه» بود و شفیعی نیز، اما در بخش (به تعبیر خودش) ادراک بی‌چوگونه!... آثار این دو خراسانی هوشمند و هنرمند، البته هر کدام در مسیری مستقل و مخصوص و متمایز و حتی از جهات و جوانبی غیر قابل قیاس با هم، اما مثل آنچه در داستان فیلم زیبای «فاز نه‌پایت ۴۵۱» اتفاق افتاده بود، دهان به دهان و سینه به سینه در صندوق امانات حافظ‌ها – حافظه ملی – تودیع شد و دیگر سانسورشدنی نبود. هر دو آرانگرا بودند و هر دو نیز مدینه فاضله را با حفظ فاصله جستجو می‌کردند. من در اینجا به عنوان دانشجوی جوان همان روز گزارش شهادت می‌دهم. حتی نام یکی از مجموعه‌های شعر شفیعی یعنی «شبخوانی» که در این جنس حکایت را دارد، اسم شب‌بود و رمز عبور. سخت سمولیک

و معنادر و در عین حال مٔکی بر سنت و سابقه فرهنگی و مذهبی و قابل دفاع، مثل حافظ. حافظی که هرچه خواست گفت و همه را سر کار گذاشت!

شعر شفیعی –از حیث قدرت تلفیق کهنه و نو، مسئولیت و عشق، سیاست و هنر، سنت و مدرنیسم، موسیقی و نوگرایی، عرفان و زمان – خلاء بزرگ حوزه ادبی و فرهنگی و هنری معاصر را به سهم خویش از میان برداشت. من در فضای کلام او، هم هوای شعر فاخر و فخیم امثال اخوان را تنفس می‌کردم و هم شمیم نوپروازی‌ها و نوپردازی‌های شعر امثال شاملو را.

۳- مهمترین نقیصه و نقطه ضعف در کارنامه فرهنگی استاد کدکنی چیست؟

جواب ۳- شاید بتوان از آنچه خود استاد در این باب گفته است الهام گرفت. از این جمله است نقد کتاب «موسیقی شعر» در مقدمه آن. «آلان که به اوراق این رساله نگاه می‌کنم، می‌بینم که در آن روزها (سال ۴۲) آراء و اسامی کسانی برای من سندیت داشته که امروز – با همه احترامی که برای شخصیت و زحمات بعضی از آنان قائلم – به هیچ روی نمی‌توانم به گفتار آنان استاد کنم... و من در آن روزها بر اثر جوانی و خامی تصور می‌کرده‌ام که هر کس استاد دانشگاه بود و کتاب‌های زیادی تألیف کرد حرفش در تمام زمینه‌ها حجت است. شاید نقص بزرگ این رساله همین باشد... یک عیب دیگر که بیشاپیش باید به آن اشاره کنم کوششی است که برای تنوع و تعدد منابع داشت‌ام و این هم از خصلت‌های دوران نوجوانی است که انسان می‌خواهد به خوانندگانش نشان دهد که من اینهمه کتاب و مجله را به زبان‌های فارسی و عربی و انگلیسی دیده‌ام و خوانده‌ام پس حرف‌های من از اعتبار فراوان برخوردار است.»

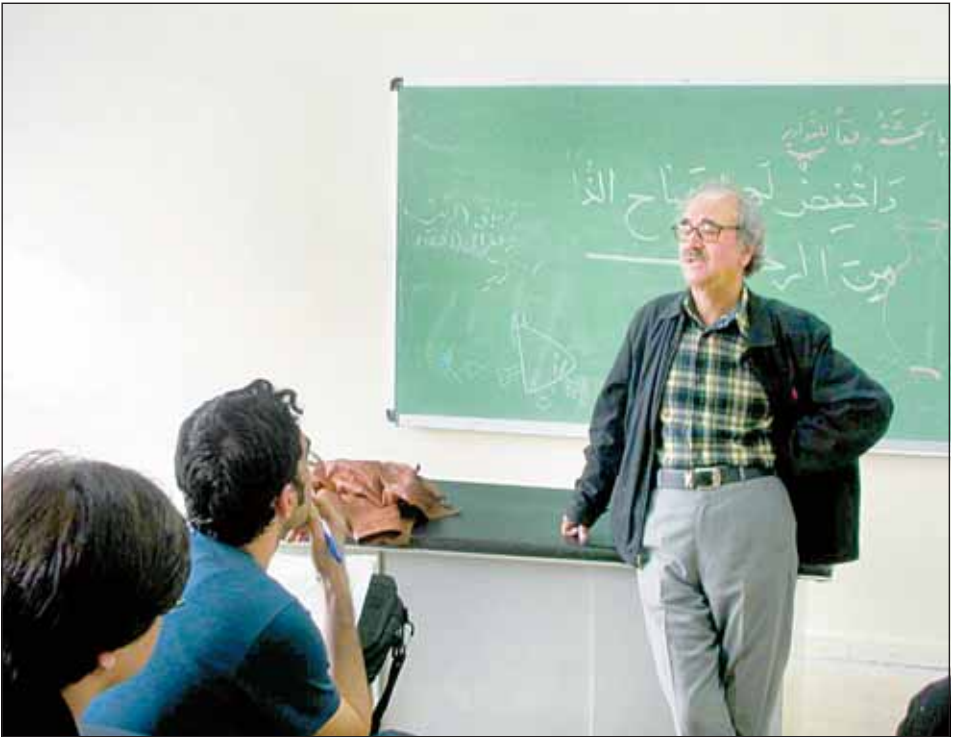
اما من – ا الهام گرفته از کلام کلیدی خود استاد – ناگهام را به شعر شفیعی معطوف می‌کنم و از همین زاویه چنین می‌بینم یا می‌ندارم (البته در حوزه احساس و احتمال) که استاد صاحب‌نظر و صائب‌نظر صا قافانه و صمیمانه به اقتضای جوانی و احساس مسئولیت انسانی، شاید بیش از حد انتظار به اتفاقی حر کت‌های

شرح

مضمون و مفهوم منظوی در لایه‌های آثار بلند ادبی و هنری استاد، مثلاً آثار و اشعاری از قبیل «موج موج خزر از سوگ سیه پوشاند» و «از این کریوه به دور، در آن کرانه بین/ بهار آمده از سیم خاردار گذشته/ حریق شعله گوگردی بنفشه چه زیاست» و «به کجا چنین شتابان؟» و شعر بی‌تاریخ «آز بودن و سرودن» و پاسخ دادن به امثال اخوان ثالث که «بنگر جوانه‌ها را، آن ارجمند‌ها را» و احتمالاً کنایه زدن به امثال شاملو که «یا گر سرودی سرودی/ از هیبت مستحسن واژه‌ها را/ در دل به هفت آب شستی» و «آنسوی پنجره ساکت و پر خنده تو/ کاروان‌هایی از خون و جنون می‌گذرد/ کاروان‌هایی از آتش و برق و باروت» و ده‌ها نمونه و نشانه دیگر، قوی‌تر و غنی‌تر از آن است که اشارت‌ها و و بشارت‌هایش پنهان کردنی و انکارشدنی باشد. همه این نمونه‌ها و نشانه‌های مبارک از سویی اوج عشق و مسئولیت و اخلاص و شهامت را به زیبایی بر ملا می‌کند، اما در همان حال از سوی دیگر سایه سنگین بینش و جنبش همه گیر و فراگیر – به تعبیر خود استاد – «جوانی و خامی» آن روزگار را افروافنده بر سر علم و اندیشه و هنر به روشنی نشان می‌دهد. اگر نبود عمق و عظمت دانش، فضل، هنر و ادب استاد یعنی همان حساب ذخیره ارزی علمی قبلی (اینهم وجهی!) برای توجیه نخستین کلمه در نخستین پرسش که همان «از» بایی باشد)، شعر شفیعی نیز از بهشت هنر به خاک سیاست و سطحی‌نگری و خام‌اندیشی هیوط می‌کرد و به سرنوشت اعلامیه‌های سیاسی و حزبی دیگران (به قول عوام: جونو جاحلا) گرفتار می‌آمد.

شاکهار شعر شفیعی این است که خودآگاه یا ناخودآگاه تا نزدیکی مرزهای خطر هیوط و سقوط به عالم ناسوت و ناسور سیاست‌دگی(!) پیش رفته اما نرسیده به آنجا بلندپروازانه به سوی ملکوت معنا و لاهوت هنر اوج گرفته است.

البته شیدایی و شیفتگی دانش آموزانی مانند من به استادانی مانند آن بزرگ بزر گوار، با روح نقادی ناسازگار نیست. تا از عرش کلیات بر فرش جزئیات بنشینیم، طبیعی است که روح نقادی نیز



■ استاد شفیعی کدکنی در کلاس درس

تیزپروازی کند و فی‌المثل این شاگرد هم به سائقهٔ سابقه‌یی که در عالم طنز دارد، همچنان شاگردِ آنچه را استاد بهاء‌الدین خرمشاهی در نقد تعریف استاد شفیعی کدکنی از «طنز» گفته است، درست یا نادرست پذیراتر خیال کند و در کنز طنز، (با نگاه به ظواهر) جواهر تراش‌تر. یا باز هم فی‌المثل چنین بپردازد که به قول خراسانی ملک‌الشعرای بهار: «بندری» از خلق «کوچه باغ‌های نشابور» شعر «نگر آنجا چه می‌بینی». به جای واژه «نگر» از جنس همان مصرع مکرر یعنی «بین» بهره می‌گرفت، شاید موسیقی ترجیع را دلنوازتر می‌کرد. شاید.

و از این قبیل خیالات که البته قالب غالب مثالی دارد و حتی چه بسا با خطاب و عتاب به شاگرد نهیب بزند که شاید سخن استاد شفیعی را «تو»یی که فهم نکرده‌ای.

ادامه دارد



● جلال رفیع

اشاره: در شمارهٔ قبل با نگاه نویسنده به جامعیت منظومهٔ استاد شفیعی کدکنی آشنا شدیم و اینک ادامهٔ سخن.

«سفر به خیر» شفیعی کدکنی، که نه تنها ورد زبان نخبران و غیرنخبگان شده (عوام و خواص آن را می‌خوانند و لذت می‌برند)، بلکه گاه به عنوان امثال سائره مورد استفاده قرار می‌گیرد. چندان که حتی نام و عنوان شعر از «سفر به خیر» تبدیل شده است به: «... به کجا چنین شتابان». گویی ترجمه آزادی است از آیه آسمانی «فاین تذهیبن»؟ ... «هوس سفر نداری / ز غبار این بیابان»؟

و سرانجام «سفرت به خیر! اما، تو و دوستی، خدا را/ چو از این کویر وحشت به سلامتی گذشتی/ به شکوفه‌ها به باران/ برسان سلام ما را». همین مقدار برای گوش جان شنونده و خواننده کافی است تا تمامی «رشته‌های عصب و عصبی روح»ش را به اهتزاز در آورد. همچون پرچی پیچیده در امواج نسیم بر فراز بام ناگج‌آباد. همان بهشت گمشده در جان آدمی. همان مدینه فاضله موعودی که آدمی همیشه و همه‌جا آن را در ورای مدینه بخشیدن به زبان معمول فریاد کرده و آدرس پرسیده است. البته اجزاء و عناصر و ار کان نیز در این شعر شفیعی قابل بررسی است، اما هیأت کلی آن با لایحاله و بالآستقلال «شعر» است، موسیقی است، خیال است، آرایه روح است، هر چند مثل غزل سعدی می‌تواند زبان کوچه و بازار هم باشد. این، همان ارتقاع دادن و ارتقاء و ارتقاع بخشیدن به زبان معمول است. شکستن و زدودن ابتذال زبانی در شعر با بهره‌گیری از همان زبان مبتذل یا مبتذل‌نما و آنگاه عمق و اوج دادن به آن، هنر ساداهی نیست. «خلق جدید» است، جلوه‌ای از صفت خلاقیت وجود. و به تعبیر کتاب اسمانی «نهٔ آلفی خلق جدید». از همین قبیل است شروع شعر «دیباچه سفر به باغ» که می‌گوید: «بخوان به نام گل سرخ در صحرای شب/ که باغ‌ها همه بیدار و بارور گردند/ بخوان دوباره بخوان تا کیوتران سبید/ به آشنایانه خونین دوباره برگردند/ بخوان به نام گل سرخ در رواق سکوت....».

در همان شعر دیباچه، این فراز را بشنوید: «تو خامشی، که بخواند/ تو می‌روی، که بماند؟/ که بر نهالک بی‌برگ ما ترانه بخواند؟». و باز هم بشنوید، فرازی دیگر از شعری دیگر را. شعری که تماشش فراز است، بی‌نشیب، بی‌شکبک هم هست، شتاب فاعله را تداعی می‌کند. و نام این سروده؟ «حتی نسیم را» است. «دیوارهای سبز نگارین/ دیوارهای جادو، دیوارهای نرم/ حتی نسیم را/ بی‌پرس‌جو اجازه رفتن نمی‌دهند...». حتی نسیم را بی‌پرس‌جو اجازه رفتن نمی‌دهند. این نیز ورد زبان شده و در زمره امثال سائره درآمده است. اینکه کسی بتواند ابتذال را به اهتزاز درآورد و کاربرد یک زبان فاخر و فخیم را از آن بخواده، بی‌آنکه ادای فریضه فحامت به و خلعت زبانی منجر شود یا به «داد» ی آن فریضه نخستین، خود نشانگر آنست که دستان چنین هنرمندی از اکسیر معانی و بیانی پُر است. کیمیای کلام در اختیار او است. مس را طلاکردن اینست. بنابر همه آنچه اشاره شد، می‌توان گفت که شعر شفیعی به شیوهای چشمگیر و دلنواز توانسته است فضایی را فراهم آورد برای تنفس آزاد در هوای قدیم و جدید، عهد قدیم و عصر جدید، سنت و مدرنیته، قرن هفتم و قرن بیستم و اخیراً بیستم و یکم، هزاره دوم و سوم، شرق و غرب، دیروز و امروز، گذشته و حال، حافظ و نیما، مولانا و اخوان، سعدی و سهراب و ده‌ها علامت تعجب دیگر!...

راستی را، آیا نمی‌توان گفت که زندگی حافظ، بدعت و جسارت نیما‌شور و سماع مولانا، روانسرای سعدی، نقاشی سهراب و حتی تجربه‌های ویژه سایه و بهار و شهریار و شاملو و فروغ، در شعر شفیعی به مرزهای وحدت وجودی‌شان نزدیک شده‌اند؟ در عین حال که با آن متفاوت‌اند؟ اگر این ادعا درست باشد که کلام شاعرانه‌ی امثال شاملو و سهراب... هر کدام در جایی و در جعتی –زیاده رفته است، باری شعر شفیعی را می‌توان به امتدال بهاری نزدیک‌تر یافت. و اعتدال؟ «به اندازه تر کیب کردن، عناصر مختلف و مقوم شعر را!».

هنر شفیعی این است: پیوند موفق (که نتیجه جزای موفق است) میان دو زبان و دو زمان چه به لحاظ فنی و شکلی و چه به لحاظ مضمون و محتوا. همچنین راحت و روان بودن و توقیف داشتن در این سربوسلوک شاعرانه و هنرمندانه چه از حیث خلق

اجزاء و عناصر سازنده‌ی هویت هنری یک اثر و چه از حیث خلق هیأت کلی و تصویرسازی کلان و مفهوم متولد شده از روح جاری و ساری در کالبد هر اثر. و علاوه بر همه این‌ها انتقال حس مسئولیت انسانی و اجتماعی و حتی سیاسی به خواننده و شنونده شعر، به نحوی که او خود را انگار در متن مهمترین رخدادهای زمانه و درست در وسط صحنه و ناگزیر از انتخاب و گزینش و لااقل نوعی از انکش مسئولانه می‌بیند. احساس مسئولیت اجتماعی، در شعر شفیعی (بویژه در دفترهای شعر معروف استاد در دهه پنجاه) موج می‌زند. چنین خصیصه‌ای همواره این خطر را داشته است که ناگهان یا به تدریج شعر اثر درونمایه هنری‌اش تهی کند و فقط آنرا به اعلامیه سیاسی و حزبی برانگیزاننده‌ای مبدل سازد که منه‌ای آن دیگر ارزشی نداشته باشد. شعر فقیر یا نظریه‌پر باز هر نام دیگر. اما شعر شفیعی، در همان حال که موج مسئولیت‌آفرینی‌اش سر به اوج می‌زند، از این وادی خطرناک جان به سلامت بیرون برده و ماندگار شده است.

درینی دیگر باید گفت که استاد باز هم مجال کامل را نیافته است برای آنکه آثار تمامی شاعران ممتاز را نه تنها با محک صورخیال، بلکه با همه محک‌های نقادی خویش در بوته نقد و تحلیل قرار دهد. استاد می‌تواند بهترین نقد و نظریه‌پرداز در حوزه شعر معاصر نیز باشد. کار سترگ نیما و شاملو و اخوان و فروغ و سیمین و سایه و شهریار و بهار در عالم شعر، با نقادی و نظریه‌پردازی استاد در عالم تحقیق قطعاً غنای بیشتری خواهد یافت. نه فقط با نقادی و نظریه‌پردازی «ادبی و هنری» بلکه همچنین «اجتماعی و انسانی و روانشناختی».

بسیاری از اساتید برجسته موسیقی ما، شاعران توانمند ما، محققان و صاحبزنان جامعه دانشگاهی در حوزهٔ نقد ادبی و عرفانی ما، همواره با اشتیاق و افتخار می‌کوشند تا در زمینه‌های مورد علاقه و تخصص خودشان نقد و نظریه و راهگشایی استاد شفیعی را بشنوند و پشتوانه و سرمایه‌ی خلق آثار خویش کنند. نقد استاد را باید تقدمایه و سرمایه‌ی خواند. در باب حافظ‌شناسی، سعدی و مولوی شناسی، فردوسی و خیام شناسی، جامعه ادبی و هنری ما سخت محتاج و مشتاق آثار عالمانه و نواندیشانه‌ی شفیعی کدکنی است. روزی در محفلی ادبی، سخنی از حافظ و مولانا به میان آمد. یکی از اساتید موسیقی کشور گفت: من از اسناد شفیعی کدکنی در این باره پرسیده‌ام. ایشان سخنی با این مضمون به من گفته‌اند: «به نظرم می‌رسد که وقتی سناریوی این عالم هستی را می‌نوشته‌اند، همان موقع جای و جایگاه منوی مولانا و اشعار حافظ را نیز معین کرده‌اند». آنگاه فصلی در این باب گفتگو شد.

من (نگارنده این یادداشت) نیز گفتم که در آثار همان استاد (شفیعی کدکنی) در باب مولانا و عرفان خوانده‌ام که فرموده است: «در تاریخ بشر –یا در تاریخ ایران و اسلام،– عرفان هیچ گاه صدایی به بلندی صدای مولانا نداشته است و پس از جلال‌الدین محمد بلخی رومی دیگر صدایی بلندتر از صدای او در این وادی ظهور نکرده است. صدای مولوی بلندترین صدای عرفان در تاریخ اندیشه‌های انسانی است» (آنچه می‌گویم مضمون سخن است نه عین آن؛ و نیز مضمونی است که در ذهن ما از آن سخن‌ها شکل گرفته است). البته آن روز من در همان محفل، دو بیت طنزآمیز را خواندم از زبان شاعری که شاگردانه و شوخ‌طبعانه در یکی از غزل‌های معروف حافظ دخل و تصرف کرده است:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

به خال هندویش بخشم دل و جان و سر و پا را

اگر من چیز می‌بخشم ز ملک خویش می‌بخشم

نه چون حافظ که می‌بخشد سمرقند و بخارا را(۱) استاد ناظر موسیقی ما، البته حق داشت که برآشف و گفت: در محصولات اشراقی مولانا و حافظ و امثالهم نباید به شوخی یا جدی دخل و تصرف ادبی (پدیی) کرد. و آنگاه به کلام استاد شفیعی نیز به شرح مذکور اشاره فرمود. گفتم اولاً این بزرگان (مولانا و حافظ) خودشان هرچه خواسته‌اند (از شوخی و جدی) بر دوش عالم و آدم بار کرده‌اند. ثانیاً خود استاد شفیعی به شاعرانه‌ترین وجه در شعر سعدی دخل و تصرف کرده و «لا»ی شیخ شیراز را با «حتا»ی شعر نیشابور به زیبایی تمام و با طنزکی این نهفته، نقل کرده است:

بیرون نمی‌توان کرد «حتی» به روز گاران

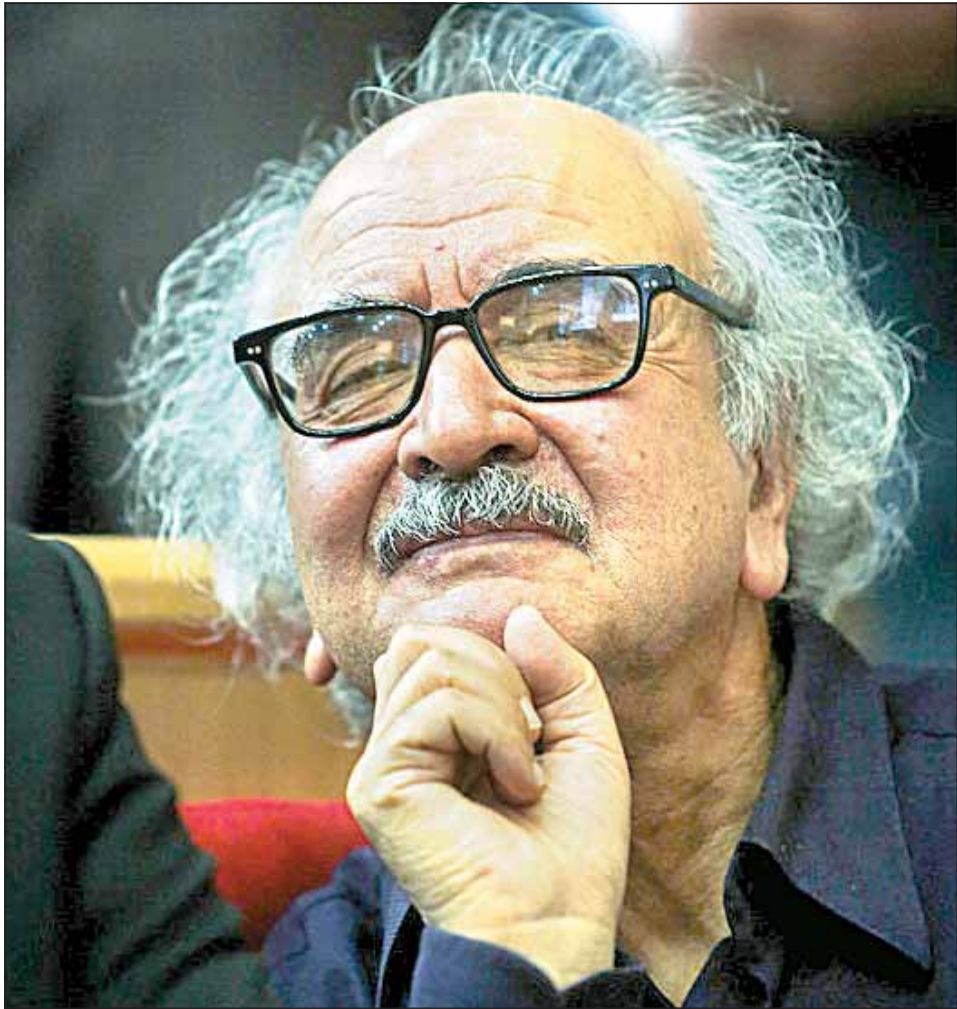
اکنون نکتهٔ مورد تأکید اینست که وقتی حتی یک جمله یا یک پاره از متن منسوب به استاد شفیعی تا بدین پایه اذهان اهل ادب و هنر را تحریک می‌کند و تحول می‌بخشد، روشن است که آنان تا چه حد و تا کجا به آثار علمی و تحقیقی موسع و مستوفای

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

نگاهی ناقص و ناتمام به درخشش کارنامه ادبی و اجتماعی استاد شفیعی کدکنی

در چنددهه‌ی پیش و پس از انقلاب/۲

جواهر تراشی کلمات



■ استاد شفیعی کدکنی

استاد احساس نیاز می‌کنند. همانطور که اشاره کردم نه فقط با محک نقد ادبی بلکه همچنین با محک نقدهای اجتماعی و تاریخی و (به تقلید از خود ایشان): «روانشناسیک و جامعه‌شناسیک». و انصافاً چه کسی شایسته‌تر از او، برای نگاه و نقدی که مبتنی بر جامعه‌شناسی ادبی و روانشناسی ادبی و هنری در تاریخ ادبیات و هنر این کهن بوم و بر باشد؟ البته این حرف‌ها و اظهار نیازها بدان معنا نیست که جز استاد شفیعی کدکنی دیگر کسی در این میان گرفته است). البته آن روز من در همان محفل، دو بیت طنزآمیز را خواندم از زبان شاعری که شاگردانه و شوخ‌طبعانه در یکی از غزل‌های معروف حافظ دخل و تصرف کرده است:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
فقط به عنوان مثال می‌گویم که نقدو تحلیل شعر انوری (مفلس کیمیا فروش) و شعر بیدل (شاعر آینه‌ها) نمونه‌ای از قلمرو توانمندی‌های استاد را نشان می‌دهد. به تازه باید به یاد داشته باشیم که همین نقد و تحلیل ماندگار و مبنای به تعبیر خود استاد «حاصل جنبی» است. حاصل جنبی چه چیزی؟ می‌خوانیم: «... در بررسی و شعر فارسی سرگرم کارک‌هایی هستم ولی گاهی احساس می‌کنم که از حاصل جنبی آن کارک‌ها، یعنی کتاب‌هایی از این نوع، ممکن است دانشجویان زودتر بتوانند بهره‌مند شوند».

البته از سال ۷۲ تا اکنون (سال ۸۵ شمسی) سیزده سال می‌گذرد و حاصل کارهای ارجمند استاد بازهم فیض‌رسان بوده و اجای موات کرده است، اما امیدواریم همین امسال نخوست عدد سیزده را با شنیدن وعده کریمانه‌ی انتشار حتمی و زودانجام همه حلقه‌های زنجیره‌ی نقد و تحلیل کامل و همه‌جانبه‌ی رودکی تا بهار و (نه تنها تا بهار) بلکه حتی نقادی و ارزیابی کارنامهٔ اخوان و شاملو و ابتهاج و ایرج و شهریار و دیگران، بتوانیم از سر خود و ادب فارسی خود برداریم! و نیز شنیدن وعده «نقد»ها و «تحلیل»های دیگری که یادآوری خواهم کرد.

و کتاب‌های خویش به هر حال، هم اثری را پدید می‌آورد مؤثر و ماندگار، هم نظریه‌ای را تدوین می‌کنند چشمگیر و راهگشا، و هم دستاوردی را در کارنامه خویش ثبت می‌کنند درخشان و شکوهمند. استاد نیز چنین است، بلکه صدرنشین است، حتی می‌توان گفت از شدت ظهور مخفی می‌نماید. کارنامهٔ تولیدات ادبی و هنری و فرهنگی و اجتماعی او هر ورش دفتری است از معرفت اثر گذار و نظریه‌پرداز. هر یک، دستاوردی است، اثری است، نظریه‌ای است. اما بسیاریان که در عین برخورداری از اوصاف مذکور، آنجا که باید خودشان خلق کنند و بسازند و بسرایند و هنرآفرینی کنند، عاجز می‌مانند. در حالی که شفیعی کدکنی ذوالیومین و ذواللسانین و دوحیاتین است. در هر دو عرصه درخشیده و می‌درخشد. به قول امروزیان: در هر دو حوزه تئوریک و پراتیک.

پس، شعر شفیعی کدکنی از نظر من به عنوان دانشجوی خواننده‌ی آثار او، مهمترین اثر استاد است و مهمترین دستاورد نیز مرتب بر همین است و شاید مهمترین نظریه ادبی و هنری را نیز بتوان در همین اثر سراغ گرفت. این اثر، تلفیق و به عبارت بهتر ترکیب بسیار طبیعی و درونی و موفق میان کهنه و نو (یا بهتر است بگویم دو دنیای کهن و نو) را مثل یک «تابلو»ی نقاشی در مقابل چشمان ما می‌نهد. صاحب اثر با تسلط بر هر دو دنیا و هر دو زبان توانسته است تابلوی «نقاشی واژه‌های انتخابی» اش را بر دیوار بلند نمایشگاه ادبیات این سرزمین بیاویزد. حتی شاید بتوان گفت عرفان و سیاست هم در این اثر چنان هم‌افش شده‌اند که تفکیک آن‌ها از یکدیگر میسر نیست. نام‌ها و نشانه‌ها و واژه‌ها در حوزه شکل و فرم همبسته‌اند است، در حوزهٔ مفهوم و محتوا نیز. خواننده و شنونده چنین احساس می‌کند که کلمات منتخب، زیر رگبار تازیانه‌ی سربوسلوک از هفت وادی مذهب و تاریخ و تمدن و عرفان و سیاست و خلاقیت و موسیقی هنرمندانه عبور کرده و در هر وادی به آب چشمه‌ی همانجا شستشو داده شده است. یعنی در سربوسلوک این هفت وادی بلکه هفت‌دای وادی تقریباً بهترین گزینش‌ها انجام گرفته است. شفیعی در بستر وزن و قافیه به آزادی و انتخاب رسیده است و با آزادی کامل عمل می‌کند، اما بی‌وزنی و بی‌قافیگی را به ابزار یی برای توجیه می‌زگی و بی‌هنری تبدیل نکرده و موسیقی خاص شعر را با استادی و ابتکار حفظ و حراست کرده است. در همین حال شعر شفیعی سرشار از قدرت انتقال حس مسئولیت انسانی و کاملاً برخوردار از ویژگی موضوعیت اجتماعی و سیاسی است. اما موضوعیت سیاسی شعر شفیعی و مسئولیت انسانی نهفته در کالبد آن هرگز چنان نیست که با زوال مناسبت‌های زمانی و مکانی و با سپری شدن دوره‌های تاریخی، از سروده‌های استاد فقط یک جسد بسازد و یک اعلامیه بعد از تاریخ انقضاء. نه، آن موضوعیت و این مسئولیت، هر دو بر پایه عشق و هنر مبتنی است. عشق زوال‌ناپذیر و هنر پایدار. همان که در وصفش گفته‌اند:

بیستون ماند و بناهای دگر گشت خراب

این در خانه عشق است که باز است هنوز
و نیز همان که باز هم در وصفش گفته‌اند:

غیر از هنر که تاج سر آفرینش است

بنیاد هیچ سلطنتی پایدار نیست
«کبریت‌های صاعقه»، «کتیبه‌ای زیر خاکستر»، «سورگنامه» و هر کدام از نمونه‌های هنری دیگر را که می‌خوانید و می‌شنوید، حجتی می‌بینید برای اثبات آن ادعا که گفتیم، سیاسی‌ترین و مسئول‌ترین سخن، آما نقش و نگار شده بر پرده زیبای هنر. منتخب‌کاری و قلمکاری و معزق‌سازی و جواهر تراشی کلمات. به نظر من دو تن خراسانی زیرک، سر ساواک را به اصطلاح کلاه گذاشتند. شریعتی مریزانی و شفیعی کدکنی. یکی با کلاه شرعی و مذهبی چنین کرد و آن دیگری با کلاه ادبی و هنری، کارشناسان رژیم وقت، فقط وقتی حقیقت را در یافتند که دیگر خیلی دیر شده بود. شریعتی به تنهایی نماد یک ارتش چریکی و پارتیزانی مسلح در بخش «دارا» بی‌چگونه» بود و شفیعی نیز، اما در بخش (به تعبیر خودش) ادراک بی‌چگونه‌اش. آثار این دو خراسانی هوشمند و هنرمند، البته هر کدام در مسیری مستقل و مخصوص و متمایز و حتی از جهات و جوانبی غیرقابل قیاس با هم، اما مثل آنچه در داستان فیلم زیبای «فاز نه‌پایت ۴۵۱» اتفاق افتاده بود، دهان به دهان و سینه به سینه در صندوق امانات حافظه‌ها – حافظه ملی – تودیع شد و دیگر سانسورشدنی نبود. هر دو آرانگرا بودند و هر دو نیز مدینه فاضله را با حفظ فاصله جستجو می‌کردند. من در اینجا به عنوان دانشجوی جوان همان روز گزارش شهادت می‌دهم. حتی نام یکی از مجموعه‌های شعر شفیعی یعنی «شبخوانی» که در این جنس دیگری باشد. پیش از این گفتم بسیاریان که از طریق مقالات

و معنادار و در عین حال مٔکی بر سنت و سابقه فرهنگی و مذهبی و قابل دفاع، مثل حافظ. حافظی که هرچه خواست گفت و همه را سر کار گذاشت!

شعر شفیعی –از حیث قدرت تلفیق کهنه و نو، مسئولیت و عشق، سیاست و هنر، سنت و مدرنیسم، موسیقی و نوگرایی، عرفان و زمان – خلاء بزرگ حوزه ادبی و فرهنگی و هنری معاصر را به سهم خویش از میان برداشت. من در فضای کلام او، هم هوای شعر فاخر و فخیم امثال اخوان را تنفس می‌کردم و هم شمیم نوپروازی‌ها و نوپردازی‌های شعر امثال شاملو را.

۳–مهمترین نقیصه و نقطه ضعف در کارنامه فرهنگی استاد کدکنی چیست؟

جواب ۳– شاید بتوان از آنچه خود استاد در این باب گفته است الهام گرفت. از این جمله است نقد کتاب «موسیقی شعر» در مقدمه آن. «آلان که به اوراق این رساله نگاه می‌کنم، می‌بینم که در آن روزها (سال ۴۲) آراء و اسامی کسانی برای من سندیت داشته که امروز – با همه احترامی که برای شخصیت و زحمات بعضی از آنان قائلم – به هیچ روی نمی‌توانم به گفتار آنان استاد کنم... و من در آن روزها بر اثر جوانی و خامی تصور می‌کرده‌ام که هر کس استاد دانشگاه بود و کتاب‌های زیادی تألیف کرد حرفش در تمام زمینه‌ها حجت است. شاید نقص بزرگ این رساله همین باشد... یک عیب دیگر که بیشاپیش باید به آن اشاره کنم کوششی است که برای تنوع و تعدد منابع داشت‌ام و این هم از خصلت‌های دوران نوجوانی است که انسان می‌خواهد به خوانندگانش نشان دهد که من اینهمه کتاب و مجله را به زبان‌های فارسی و عربی و انگلیسی دیده‌ام و خوانده‌ام پس حرف‌های من از اعتبار فراوان برخوردار است».

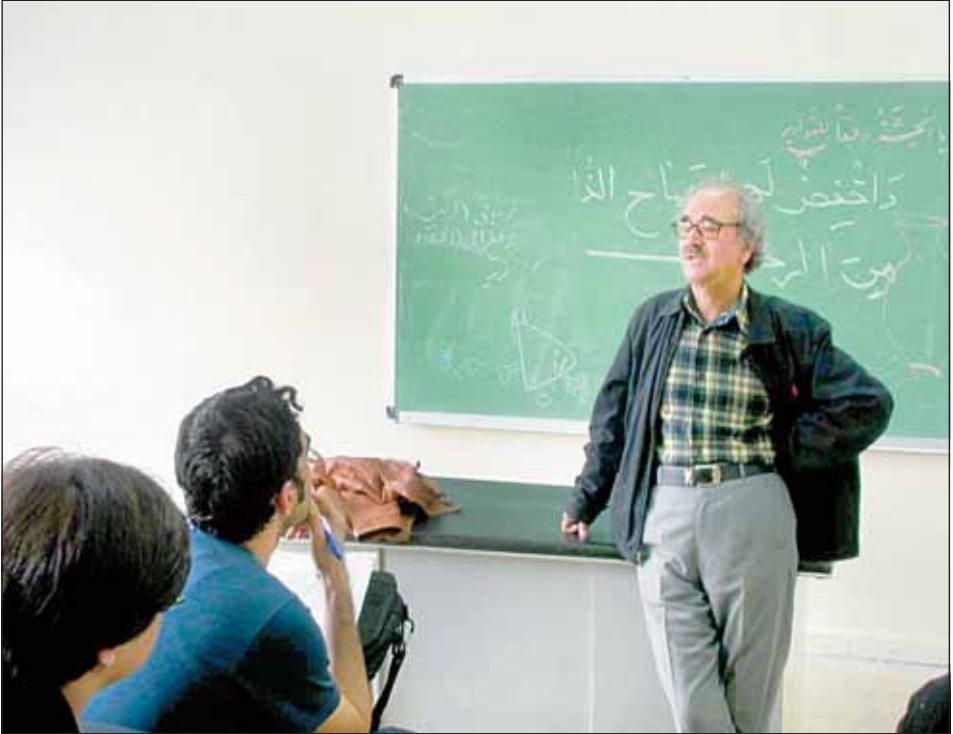
اما من – ا الهام گرفته از کلام کلیدی خود استاد – ناگهام را به شعر شفیعی معطوف می‌کنم و از همین زاویه چنین می‌بینم یا می‌ندارم (البته در حوزهٔ احساس و احتمال) که استاد صاحب‌نظر و صائب‌نظر صا قافانه و صمیمانه به اقتضای جوانی و احساس مسئولیت انسانی، شاید بیش از حد انتظار به اتفاقی حرکت‌های

شرح

مضمون و مفهوم منظوی در لایه‌های آثار بلند ادبی و هنری استاد، مثلاً آثار و اشعاری از قبیل «موج موج خزر از سوگ سیه پوشاند» و «از این کریوه به دور، در آن کرانه بین/ بهار آمده از سیم خاردار گذشته/ حریق شعله گوگردی بنفشه چه زیاست» و «به کجا چنین شتابان؟» و شعر بی‌تاریخ «آز بودن و سرودن» و پاسخ دادن به امثال اخوان ثالث که «بنگر جوانه‌ها را، آن ارجمند‌ها را» و احتمالاً کنایه رذین به امثال شاملو که «یابرگ سرودی سرودی/ از هیبت مستحسن واژه‌ها را/ در دل به هفت آب شستی» و «آنسوی پنجره ساکت و پر خنده تو/ کاروان‌هایی از خون و جنون می‌گذرد/ کاروان‌هایی از آتش و برق و باروت» و ده‌ها نمونه و نشانه دیگر، قوی‌تر و غنی‌تر از آن است که اشارت‌ها و و بشارت‌هایش پنهان کردنی و انکارشدنی باشد. همه این نمونه‌ها و نشانه‌های مبارک از سویی اوج عشق و مسئولیت و اخلاص و شهامت را به زیبایی بر ملا می‌کند، اما در همان حال از سوی دیگر سایه سنگین بینش و جنبش همه گیر و فراگیر – به تعبیر خود استاد – «جوانی و خامی» آن روزگار را فروافزاده بر سمر علم و اندیشه و هنر به روشنی نشان می‌دهد. اگر نبود عمق و عظمت دانش، فضل، هنر و ادب استاد یعنی همان حساب ذخیره ارزی علمی قبلی (اینهم وجهی!) برای توجیه نخستین کلمه در نخستین پرسش که همان «آرز» بایی باشد)، شعر شفیعی نیز از بهشت هنر به خاک سیاست و سطحی‌نگری و خام‌اندیشی هیوط می‌کرد و به سرنوشت اعلامیه‌های سیاسی و حزبی دیگران (به قول عوام: جونو جاحلا) گرفتار می‌آمد.

شماکار شعر شفیعی این است که خودآگاه یا ناخودآگاه تا نزدیکی مرزهای خطر هیوط و سقوط به عالم ناسوت و ناسور سیاست‌دگی(!) پیش رفته اما نرسیده به آنجا بلندپروازانه به سوی ملکوت معنا و لاهوت هنر اوج گرفته است.

البته شیدایی و شیفتگی دانش آموزانی مانند من به استادانی مانند آن بزرگ بزر گوار، با روح نقادی ناسازگار نیست. تا از عرش کلیات بر فرش جزئیات بنشینیم، طبیعی است که روح نقادی نیز



تیزپروازی کند و فی‌المثل این شاگرد هم به سائقهٔ سابقه‌یی که در عالم طنز دارد، همچنان شاگردِ آنچه را استاد بهاء‌الدین خرّم‌شاهی در نقد تعریف استاد شفیعی کدکنی از «طنز» گفته است، درست یا نادرست پذیرات خیال کند و در کنز طنز، (با نگاه به ظواهر) جواهر تراش‌تر. یا باز هم فی‌المثل چنین بپردازد که به قول خراسانی ملک‌الشعرای بهار: «بندری» از خلق «کوچه باغ‌های نشابور» شعر «نگر آنجا چه می‌بینی»، به جای واژه «نگر» از جنس همان مصرع مکرر یعنی «بین» بهره می‌گرفت، شاید موسیقی ترجیع را دلنوازتر می‌کرد. شاید.

و از این قبیل خیالات که البته قالب غالب مثالی دارد و حتی چه بسا با خطاب و عتاب به شاگرد نهیب بزند که شاید سخن استاد شفیعی را «تو»یی که فهم نکرده‌ای.

ادامه دارد

قلم انداز

آیا ذهن ماشین است

آری، انسانها از ذهن خودشان استفاده می کنند و زندگی آنها و تعاملی که با مسائل کوچک و بزرگ و دیگران و هموعان دارند، شاهد این موضوع است. اما این امر، لزوماً به معنای تأمل آنها در باب خود ذهن نیست و کمتر کسی را می توان یافت که همپای استفاده اش از ذهن، دربارهٔ ذهن و ویژگی ها و گونه گونی های آن اندیشه کند. به همین جهت، این سخن خطا و نادرست نخواهد بود. اگر بگوییم: انسانها از ذهن به عنوان یک امر مهم و حیاتی استفاده می کنند ولی برای شناخت آن احساس لزوم نمی کنند.

به عبارت دیگر، نوع برخورد انسانها با ذهن خودشان و ذهن دیگر و به طور کلی ذهن، از نوع برخوردی است که با ابزارهای گوناگون زندگی دارند. استفاده از ابزار امری معمول و طبیعی و کاملاً معقول است اما شناخت آن ضرورت چندانی ندارد. از این روست که بسیاری کسان سوار انواع و اقسام خودروها می شوند و به تردد می پردازند و سفر می کنند بدون اینکه مکانیک باشند و بدانند که ماشین چیست و چگونه ساخته شده و چگونه کار می کند.

این سخن دربارهٔ همه یا اغلب لوازم و اشیائی که به هر طریقی مورد استفاده انسانها قرار می گیرد، صادق است. ما برای سفر به کشورهای گوناگون سوار هواپیما می شویم و گاه هزار کیلومتر راه را در کمتر از چند ساعت طی می کنیم ولی چند نفر از مسافران هواپیما از نحوه کار هواپیما آگاهی دارند و می دانند که هواپیما به لحاظ فنی چه ترکیبی دارد و اجزاء آن چه کار می کند و چگونه؟

چند درصد دیگر اساساً می خواهند بدانند که داستان پرواز و هواپیما از چه قرار است و چطور یک غول آهنی، هزارها تن وزن را بر می دارد، هزارها «پا» بالا می رود و بعد در مقصد بر زمین می نشیند؟ طبیعی است که در این قبیل مسائل، اشکالی متوجه کسی نیست، چرا که استفاده ما از هواپیما، صرفاً به عنوان یک ابزار و آلت است که برای رسیدن به یک هدف - که غیر از خود هواپیماست - از آن استفاده می کنیم و به اصطلاح استفاده مان ابزار است نه غایی. ما با هواپیما کار داریم، نه از آن جهت که هواپیماست بلکه از آن جهت که ما را به سرعت از محل سکونتمان به جایی دیگر منتقل کند.

به همین منوال، نوع ارتباط بسیاری از انسانها با ذهن، چنین حالتی دارد. از آن استفاده می کنند و به طرف مقصد و غایت و مطلوب خودشان حرکت می کنند بدون اینکه با خود ذهن کاری داشته باشند. ذهن برای آنها مطرح است، اما برای رفع حواجی و برطرف کردن مشکلات، وقتی ذهن حواجی آنها را برطرف می کند، دیگر کاری با ذهن ندارند و دربارهٔ آن نمی اندیشند.

به عبارت دیگر، ذهن برای انسانها طریقت دارد، نه موضوعیت. آن را منبعی می دانند که در موارد لزوم و ضرورت باید به آن مراجعه کرد و از متنش چیزی را استخراج کرد. بعد از آن، آنها به دنبال کار خودشان می روند و ذهن در جای خودش می ماند. به عبارت دیگر، آنها از کنار ذهن عبور می کنند تا رجوعی دیگر.

طبق مثالی که توضیح دادیم، بسیاری از کسانی که ذهن دارند و ذهن در زندگی آنها نقش اساسی ایفا می کند، چنین ارتباط و تعاملی با ذهن دارند اما سؤال این است که: آیا ذهن مثل ماشین است؟ آیا می توان ذهن را نازل منزله ماشین و خودرو و هواپیما دانست؟ آیا می توان ذهن را مورد استفاده قرار داد و بعد کاری با آن نداشت؟ اینکه بسیاری از انسانها و غالب اشخاصی که ما می شناسیم چنین می کنند، قاعدتاً نمی تواند دلیلی بر درستی این عمل باشد و این پرسش را پدید نیآورد که: آیا می توان ذهن را مورد استفاده قرار داد و نشناخت؟ آیا می توان بدون شناخت ذهن، از آن استفاده درست و همه جانبه به عمل آورد؟ تأمل در این پرسش ها ما را با مسائل مهم و نوینی مواجه می کند که می تواند راهگشای ما به سمت ذهن باشد و شناخت ذهن.

دلایل زیادی می تواند مؤید این مسئله باشد که ذهن را باید شناخت و بدون شناخت ذهن، نمی توان از آن به صورت تمام و کمال استفاده کرد؛ اما شناخت ذهن چگونه است؟ طبیعی است که این شناخت با خود ذهن انجام می شود و حاصل می شود. از همین نکته بسیار ساده معلوم می شود که ذهن می تواند خود را بشناسد.

پس، ذهن دارای جنبه هایی است که می تواند از شکل و شمایل و حالت عادی و همیشگی آن فراتر برود و خودش را مورد شناخت قرار بدهد. توجه داشته باشید که در اینجا امر شناخته شده و امر شناسنده یکی است.



● ترجمه: شهرام تقی زاده انصاری

انسان می تواند از مثال ها بالاتر رود؛ جاهایی که علم اساساً شناخت تازه ای به دست می آورد، قدرت جدیدی هم احراز می کند. پس این جمله فرانسویس یکی که می گوید «دانش قدرت است» صحیح است.

پروفسور کارل فریدریش فون وایتساکر ۲/

علم به کجا می رود



من می توانم تصور کنم، که در اوایل قرن بیست و یکم و یا اوسط آن علم بیولوژی و علم پزشکی در تغییر زندگی ما سهمی بیشتر از آنچه که امروزه علم فیزیک و علم شیمی دارند خواهند داشت. من می توانم تصور کنم که شناخت بشر از عمق جان انسان و خصوصیات زندگی انسان ها با یکدیگر خیلی بیشتر خواهد شد به طوری که بتوان به آن نام یک فن داد. شاید روانکاو و هنر تبلیغ مقدمه متواضعانه چنین تکنیکی باشند.

علم و تکنیک ما ابتدا چشمگیر بوده و در دسترس قرار خواهد گرفت و بعد ظریف و پنهان می شود. ما در فیزیک اتمی با این مساله روبرو هستیم و در حوزه های دیگر علوم نیز دیده می شود. ما همواره به این نکته پی می بریم که روابط پنهان و ظریفی وجود دارند که بر کنترل جهان کلان و روابط درونی ظریف استیلا دارند. از آن جایی که شناخت جهان پنهان و روابط ظریف درونی و قانونمندی ها، دارای قدرتی هستند که برای کسی که فقط جهان کلان و قابل مشاهده را می شناسد، کاملاً بیگانه است، این مشاهدات اخیر با رابطه تحقیق محض عملاً در تماس می باشند.

این یک واقعیت تاریخی است که بعضی از توسعه های فنی مهم از چیزهایی که ما آن را تحقیق کاربردی می نامیم، به وجود نیامده اند، بلکه در اثر جستجوی محض شناخت علمی به وجود آمده اند. این مسئله تصادفی نیست. فراموش نکنیم که با اکتشافات فاراده در آزمایشگاه و نظریه ماکسول و کشف امواج الکترومغناطیسی توسط هر تزر راه برای فن رادیو و رادار و تلویزیون آماده شد. رابطه بین نظریه و عمل همیشه تنگ تر و مطمئن تر می شود. ماشین بخار یک اختراع مهندسی محض بود. بمب اتمی توسط فیزیکدانان نظری ای طرح ریزی شده که در زمانی که جوان بودند خواب آن را نیز نمی دیدند که فیزیک اتمی روزی کاربرد فنی داشته باشد.

چگونه می توان با تحقیق محض برای عمل، راه های جدیدی باز کرد؟ من میل دارم ادعا کنم: این نه به این سبب است، بلکه به این علت است که تحقیق محض هیچ رعایت کاربرد مستقیم را نمی کند. این

یکی از پیشداوری های زمان ماست، انسان به یک هدف بسیار عالی تر می رسد، وقتی که با چشم بند، اسب سعی و حرکت کند. چشمی که روی یک هدف تنظیم شده، نمی تواند به آرامی دنبال افق بگردد. اغلب چیزی که ظاهراً ضروری است لازم ترین حقایق می باشد.

خونسردی، فراغت و آرامش و فداکاری و عاشقانه در راه هدفی که به خاطر سودجویی دنبال نمی شود، از جمله شرایط مهم برای یک پدیده خلاق می باشد که در آن امکان دارد، به نوآوری جدیدی دست یابیم. تسلیم محض به شناخت، مهم ترین پیش شرط تحقیق علمی است، بخصوص وقتی که انسان در جستجوی کاربرد آن باشد. این بود گوشه ای از بهره های عملی.

حال برای چند لحظه، کاربردها و بهره ها و خطرات آن را کنار گذاشته و از خود سؤال می کنیم که آیا ما در تکامل و پیشرفت شعور انسانی، در حوزه اخلاق چه بهره ای را مدیون علم می باشیم؟ از نظر انسانی، علم از سه زاویه با انسان سروکار دارد: حقیقت، زیبایی و عادات و رسوم. دانشمندان همیشه با این اصطلاحات در زندگی روزانه خود سروکار دارند.

در برخورد روزانه با حقیقت علمی یک تغییر فرم آهسته در شعور انسانی حادث شده و در درون جان هر یک احساس می شود که ما آن را باید به خوبی به عنوان عمیقترین و بامعنی ترین اثر علمی در نظر بگیریم. شعوری که به وسیله علم به وجود می آید، خصوصیت بافت غیرقابل بارور شدن را دارد، که در آن هر سرخی وجود دارد. عکس علم در آن انداخته می شود. این تغییر شکل نیز بدون خطر نمی باشد، اما حداقل سه فضیلت را می توان برای آن شمرد:

اول اشتیاق به جستجوی حقیقت، دوم احترام به واقعیت کشف شده و سوم قابلیت اینکه سؤال های غیرقطعی را باز بگذاریم. کسی که آموخته که علم چیست، در آنجایی که چیزی می داند، شکاک نیست و در آنجایی که هیچ چیز نمی داند، به طور جزمی حرفی نمی زند. پرورش علمی تفکر فقط در زمانی به مقام دوم عقب نشینی می کند که به پرورش

روحی پرداخته باشیم.

در دوران ما فقط شایان اند که عنوان علمی به خود می دهند زیرا هیچ کس چیزی را از آنان باور ندارد. زیبایی علم برای کسی که دنبال تحقیق علمی است کاملاً روشن است. انسان های دانشمندی را می بینید که زندگی خود را با سیم، حباب شیشه ای و مواد چسبیدنی می گذرانند یعنی بیشتر از یک بچه بزرگ با اسباب سروکار دارند. انسان باید بداند، اکثر بچه ها بیشتر از بزرگسالان درباره زیبایی می دانند.

حرفی که نیوتون در سال آخر عمرش زده است، نه تنها احساس رفتار علمی را بیان می کند، بلکه این زیبایی ساده کشف علمی را نیز بیان می کند، او می گوید: «هن نمی دانم، که دنیا درباره من چه فکر می کند، اما من مثل بچه ای می مانم که کنار ساحل بازی می کند، بعضی اوقات یک صدف قشنگی را پیدا می کند و بعضی اوقات یکی سنگ ریزه را در حالیکه اقیانوس بی انتهای حقیقت در جلوی او قرار دارد.»

در اینجا میل دارم درباره رسم و عادت علم با رعایت همه جوانب آن صحبت کنم. این شیوه بدی است که انسان جایگاه خودش را تحسین کند، بخصوص وقتی که انسان می داند که ما دانشمندان چه صفات عجیبی مثل حواس پرتی، وهم، خیال و رفتار غلط در دانشکده داریم. اما انسان حق دارد، که نه تنها درباره یک چیز بعد از به حقیقت پیوستن ناقص قضاوت کند بلکه اجازه دارد از روی ایده آل اش نیز قضاوت کند.

بهترین راه شناخت ایده آل، قربانی هایی است که می دهد. ایده آل علم به عنوان شغل، خواستار قربانی سنگین معنوی و مادی است. قربانی مادی صرف نظر کردن از راه مستقیم و با اغلب اصلاً از راهی که منجر به داشتن قدرت، نفوذ و ثروت می شود، است. اگر دانشمند دید که از او در برابر پادشاهان، سر میز ثروتمندان یا در اتاق وزیران خیلی دوستانه اما کمی متواضعانه استقبال می کنند، باید بداند، که او از بالاترین مقام ظاهری صرف نظر کرده است، برای اینکه انتقام باطن به او علم می دهد و بدون این گذشت قابل بدست آوردن، نمی بود. قربانی معنوی سنگین با تضاد مابین رفتار علمی و جزم گرایی رابطه دارد. ادامه دارد

● سید حجت‌الحق حسینی

گفته‌اند که راه شیری یا کهکشان راه مکه، آثار گرد و غبار پای اسب یکی از خدایان به نام پرساوش است که برای کشتن غولی می‌رود تا اندرومدا را که صورت فلکی زن به زنجیر بسته است، نجات دهد. اندرومدا دختر سفوس یا کیکاوس و نادرتری کاسیویا یا ذات‌الکرسی است که به دستور نامادری‌اش در کنار دریایی به زنجیر بسته شده تا او را قربانی اژدهایی به نام دراگو کنند و این همان صورت فلکی تتین (اژدها) است که شب‌ها در کنار صورت فلکی دب اصغر (خرس کوچک) دیده می‌شود و سپس به دست جوانی به نام پرساوش به کمک جادوگری با کشتن غول نجات می‌یابد. در افسانه‌ها آمده است که هنگام حرکت با شتاب پرساوش که با اسبش به آسمان شتافت، گرد و غباری از سمند او به جای باقی ماند و سپس این گردوخاک به آسمان رفت.

خواجه حافظ در بازگویی این افسانه به زیبایی و با ظرافت خاص می‌گوید فلک اگر این بار جلوه پای سمند تو را نگاه بکند، اوج کهکشان یا راه شیری آسمان را جایگاه پای اسب تو می‌بیند. آنچه که حیرت‌انگیز است این است که چگونه این افسانه از اساطیر یونان که در کتاب‌های فارسی هم کمتر اشاره‌ای به آن رفته است به حافظ رسیده و ایشان نیز به زیبایی تمام آن را بازگو کرده است. از نظر ادبی همراهی فرق یا فرقدان نوعی جناس خطی است.

منوچهری دامغانی در بیتهی سروده است:

شده فرقدانش چو دو چشم مجنون

شده فرقدانش چو دو خد لیلی
فرقد و فرقدان و فرقدین در شعر فارسی بسیار به کار رفته‌اند و این معنا، نمودار بلندی و اعتلاء است. در دیوان حافظ نیز فقط در همین بیت به کار رفته است (که نقل شد).

کوکب هدایت

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود

از گوشه‌ای برون آی ای «کوکب هدایت»
ستاره قطبی (Pole Star, North Star)
یا ستاره شمالی: ستاره‌ای است که بسیار نزدیک به امتداد محور زمین بر کره سماوی است و جهت شمال (در نیمکره شمالی) یا جهت جنوب (در نیمکره جنوبی) را نشان می‌دهد و نیز ستاره‌ای است که با این موقعیت محلش نسبت به ناظر ساکن زمین تغییر نمی‌کند. در حال حاضر این موقعیت از آن ستاره جدی است که با قدر ظاهری ۱/۲ درخشان‌ترین ستاره صورت فلکی خرس کوچک است اما به دلیل حرکت تقدیمی زمین این مکان تغییر می‌کند. در ۴۰۰۰ سال پیش ستاره قطبی اتا‌بمار بود، ۳۰۰۰ سال پیش ستاره قطبی ستاره ثعبان و در سال ۱۴۰۰م. ستاره قطبی ستاره «تسر واقع» خواهد بود.

زمین، دور محوری فرضی که از شمال و جنوب کره زمین می‌گذرد می‌چرخد. این چرخش زمین موجب می‌شود که ما تصور کنیم همه ستاره‌های آسمان حول محوری می‌چرخند که در محل محور گردش آنها ستاره قطبی می‌چرخد، ستاره پرنوری که جایش در آسمان ثابت است. امروزه دریانوردان، ملوانان، خلبانان، صحرانوردان، مسافران و فضانوردان در جهت‌یابی از ستاره قطبی بهره می‌گیرند، زیرا در تمام جهت‌ها، حرکت خود را با آن توجیه و تنظیم می‌کنند. این ستاره ثابت را ستاره رهنما یا به زبان دیگر «کوکب هدایت» می‌خوانند.

در بازگویی معنای بیت یاد شده باید گفت که حافظ می‌دانسته است که تنها راهنمای شب سیاه و تاریک، ستاره قطبی است و این ستاره همان «کوکب هدایت» است که در متون انگلیسی نیز به دقت Direction Star گفته شده است. در آیه ۱۶ سورة نحل نیز آمده است که: «نشانه‌هایی است و با

ستارگان راه را خواهید یافت.» کوکب هدایت، فقط در همین بیت از دیوان حافظ دیده شده است.

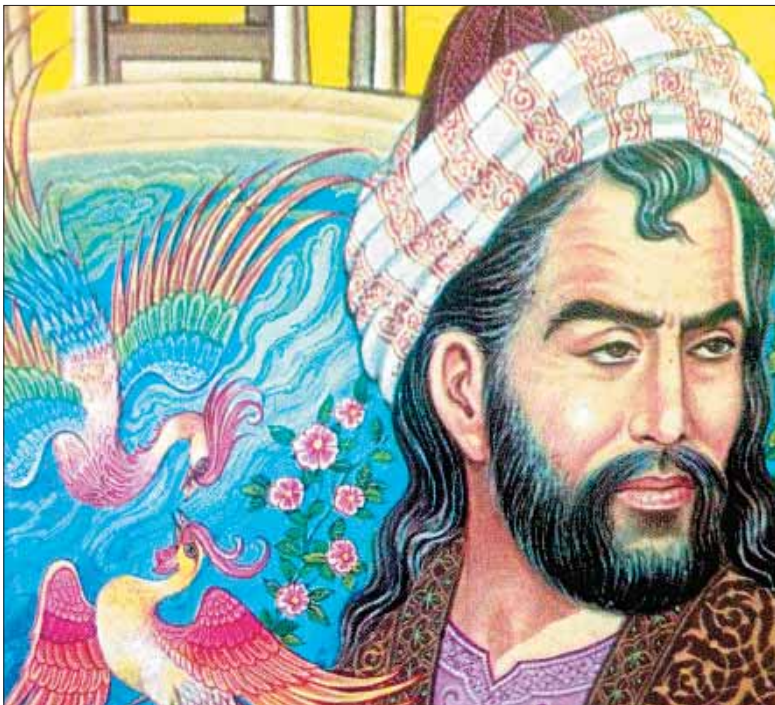
کهکشان، حافظ گوید:

فلک چو جلوه‌کنان بنگرد سمند تو را

کمین به پایگهش اوج «کهکشان» گیرد
کهکشان یا به عربی مجرّه واژه‌ای نجومی

نجوم در دیوان حافظ/۴

حافظ و دانش نجوم



سیاره خارجی (سیاره دور تر نسبت به خورشید) از دید ناظر ایستاده بر سیاره داخلی (سیاره نزدیک تر به خورشید) شب هنگام طلوع کرده و به شکل قرص کاملی دیده می‌شود؛ اما سیاره داخلی از دید ناظر ایستاده بر سیاره خارجی فقط روز قابل مشاهده است و نیم کره تاریک آن دیده می‌شود. طبیعی است که در زمان مقابله، فاصله بین دو سیاره در کمترین مقدار خود قرار دارد.

به عبارت دیگر، بر یک خط شدن به ترتیب یک جرم سماوی با یک سیاره و خورشید در دیگر سوی، در صورتی که سیاره و ناظر زمینی همواره در میانه قرار گرفته باشند، مقابله گفته می‌شود که برای همه اجرام سیار به جز سیاره‌های داخلی مفروض است و در این حالت برای جرم منظور بیشترین درخشندگی وجود دارد. زمانی که هر جرم فضایی در مقابله با زمین قرار گیرد دارای ۳ ویژگی خواهد بود: ۱- در تمام طول شب دیده‌وری می‌شود. ۲- در نزدیک‌ترین فاصله با زمین قرار دارد و بنابراین بزرگ‌تر و درخشان‌تر به نظر می‌آید و ۳- قرص کامل آن دیده می‌شود. در هنگام مقابله دو کره سماوی، کشش و جاذبه مقابل بیشینه ممکن است.

این جاذبه به فشرده‌گی درونی، فاصله، ابعاد و سرعت چرخش هر یک از دو بستگی دارد. در چنین حالتی است که در اصطلاح اهل تنجیم (اخترگویی) سیاره‌های یاد شده نسبت به یکدیگر و بنا به دلایلی «نحس» یا «سعد» خوانده می‌شوند. نحس بدان سبب است که یکی بر دیگری مسلط شده یا آن را تحت تأثیر و جاذبه خود قرار داده است؛ در حالی که در همین حالت سیاره مریخ یا خورشید و ماه تحت جاذبه خورشید و ماه و عطارد مقابله شوند، سعد است. در این بیت رخ یار به خورشید همانند شده است و

خواجه با دانش دقیق نجومی و در نهایت هنرمندی و زیبایی بیان، موضوع را بازنمایی و بازگویی کرده است. در احکام نجوم/تنجیم، مقابله نمود دشمنی تمام است. سعدی در شعری گفته است که:

قمر مقابله با روی او نیارد کرد

وگر کند همه کس عیب بر قمر گیرد
خواجوی کرمانی نیز در همین مفهوم می‌گوید:

با آتش موازنه وز خاک ارتفاع

با اخترت مقابله با رایت اقتران
خواجه نصیرالدین طوسی در المدخل المنظوم دارد:

نظری بدتر از مقابله نیست

که از او جز بدی به حاصل نیست
مقارنه/قران، حافظ گوید:

گفتم که خواجه کی به سر حجله می‌رود؟

گفت آن زمان که مشتری و مَه «قران» کنند
ای مَه صاحب «قران» از بنده حافظ یاد کن

تا دعای دولت آن حُسن روزافزون کنم
مقارنه (Conjunction): زمانی که دو یا چندین جرم آسمانی در یک راستا قرار گیرند و تفاضل طول سماوی (یا بُعد) آنها برابر صفر است یا به بیان دیگر دارای طول سماوی یا بُعد برابرند، مقارنه (قران) می‌گویند. قرار گرفتن دو جسم سماوی نسبت به زمین به گونه‌ای که به نظر می‌رسد در آسمان کنار هم باشند، مقارنه یا همدمی گفته می‌شود. وضعیتی که در آن یک سیاره درونی مانند عطارد یا زهره از دید ناظر زمینی درست در پشت خورشید قرار گیرد، مقارنه بیرونی (علیا) نام دارد و وضعیتی که در آن یک سیاره درونی مانند عطارد یا زهره از دید ناظر زمینی درست در بین خورشید و زمین قرار گیرد، مقارنه درونی/ داخلی (سفلی) گفته می‌شود. مقارنه داخلی یکی از شرایط احتمال پدیده گرفت خورشید مانند گذر سیاره (ناهید یا زهره) توسط ماه است. اگر خورشید از اجرام مقارنه نباشد، مقارنه سیاره‌ای یا ماه و سیاره دیگر با اجرام سیار با ثوابت ممکن است و به صورت تریکی، مقارنه بیش از ۳ جرم سماوی نیز ممکن است. در این بیت نجومی و تنجیمی، با باور اخترگویان مشتری نشانه خوشبختی بزرگان است و ماه نیز نمادی از نیکویی است. مشتری نر است و ماه ماده. مشتری، کوکب اعیان و اشراف و بزرگانی است که دارای دانش و سخاوت و بلندهمتی هستند و قمر (ماه) نشانه عفت و سلامت طبع است. قران، حالت مقارنه‌ای است که روی هم افتادن شکل دو سیاره را گفته‌اند و آن حالتی است که فاصله خط دید هر دو سیاره از نظر ناظر روی زمین یکی باشد؛ بنابراین قران یعنی دو سیاره یا کره سماوی در رؤیت هر دو یکی شده باشند. در این حالت است که مشتری و ماه مقارنه دارند که سعد اکبر (بزرگ) به وجود می‌آید. حافظ «مشتری» را برای ویژگی‌های خواجه به کار می‌برد که مرادش یکی از مردان فاضل زمانه بوده است که زمان حجله رفتن را به مقارنه ماه و مشتری به عنوان یک واقعه نجومی، همانند کرده است. خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب المدخل المنظوم در موضوع مقارنه می‌سراید:

ور مقارن به مشتری است قمر

به سعادت بود تو را رهبر
او کارها قلیل و کنیر

نیک باشد و خاصه نزد وزیر
- مشتری در بخش سیاره‌شناسی در همین مقاله مهندس فلکی، حافظ گوید:

«مهندس فلکی» راه دیر شش جهتی

چنان بیست که ره نیست زیر دام مفاک
این تعبیر زیبا برای فرد ستاره‌شناسی گفته شده است که افزون بر دانش اخترشناسی، دستی در پایه‌گذاری رصدخانه و امور فنی رصد داشته باشد.